

کارگر امروز

نشریه انترباشیونالیستی کارگری

WORKER TODAY

An Internationalist Worker's Paper

Vol.3, No.30, November 1992

سال سوم، شماره ۳۰، آبان ۱۳۷۱

تظاهرات ۲۰۰ هزار نفر علیه بستن معادن در بریتانیا



کمیته همبستگی کارگری در آلمان تشکیل شد

آن را با اهداف خود یکی دانستیم
تصمیم گرفتیم به این کمیته پیوسته و
کلیه تحریریات و امکانات کارکنوں خود
را که از طریق انتشار پیک کارگر بست
آورده ایم برای تقویت آن در اختیار
کمیته قرار دهیم.

صفحه ۲

میشد با انتشار یک اطلاعیه توسط
مسعود رائی همانگ کنندگ این نشریه
اعلام داشت که به کمیته همبستگی
کارگری در آلمان پیوسته است. در پخشی
از این اطلاعیه آمده است "ما که
پعنوان ناشرین نشریه پیک کارگری" در
پشتیبانی کارگران آلمان از جنبش کارگری
چلسه بنیان گذاری این کمیته شرکت
داشتیم، از آنجایی که اهداف اعلام شده

صفحه ۲

● کمیته همبستگی کارگران ایران و فنلاند تشکیل شد

● کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش تشکیل شد

● کمیته کارگری ایران در آمریکا به کمیته بین المللی همبستگی با کارگران ایران پیوست

صفحه ۲

سام گندین دستیار رهبر اتحادیه کارگران اتممیل ساز کاتانا جنبش کارگری آمریکای شمالی در کجا ایستاده است ؟

کارگران ژاپنی دوستان کارگران آمریکایی هستند یا دشمنانشان ؟

صفحه ۱۰

معدنچیان بریتانیا علیه دولت

امان کفا

در اواسط ماه اکتبر وسائل ارتباطات جمعی
یکباره گزارش از بسته شدن ۲۱ معدن و
بیکاری بالغور ۳۰ هزار کارگر معدن را
منتشر کردند. این تصمیم که از طرف دولت
تعت عغوان زیادی تولید و عدم نیاز
خریداران زغال سنگ معرفی شد، کل
جامعه بریتانیا را تکان داد.

اعراضات که از همه مراکر و بیوی از
جانب مطبوعات به سمت دولت سازاب شد
همگی نشانگ دور بحرانی برای دولت بود.
روز سه شنبه اعلام شد که در روز جمعه
همان هفته حداقل ۶ معدن بسته خواهد
شد. این تصمیم کل روایت و قراردادهای
کار را زیرا گذاشته بود. طبق قرارداد کار
صفحه ۶

سعید ساعدی از زندان

آزاد شد

مرکز خبری کارگر امروز:
روز ۲۵ اکتبر، حدود ۲۰۰ هزار نفر در
تظاهرات شهر لندن علیه بستن معادن
بریتانیا شرکت کردند. این تظاهرات به
فراتر از گنگره اتحادیه های کارگری
بریتانیا و در اعتراض به دولت برگزار
شد.

به گزارش روزنامه "ایونینگ استاندارد"، این
راهپیمایی شهر لندن را فلک کرد. مردم از
نقاط مختلف بریتانیا با اتوبوس و قطار
برای شرکت در راهپیمایی به پایتخت آمدند.

این بزرگترین تظاهرات در بریتانیا پس از
تظاهرات اعتراضی در سال قبل به سیاست
مالیاتی دولت بود. حدود ۱۵۰ پلیس
برای کنترل مردم در صحنه بود.

به گزارش پلیس، حدود ۱۶ هزار نفر از
مردم پشت سر "آئنور اسکارگیل"، رهبر
اتحادیه معدنچیان، "تونی بن"، "دیس
اسکینز" و "تیل موریس" دیگر اتحادیه
اعراض کردند و خواهان آزادی آنها
شدند.

سعید ساعدی کارگر چوشکار، از فعالین
اتحادیه صنعتگر و چندین سال از
سخنرانان مراسم روز کارگر متنفذ بود.

سعید ساعدی کارگر چوشکار، از فعالین
در اروپا و آمریکا و کانادا با تصویب
قطعنامه و ارسال نامه به سفارتخانه

های ایران به دستگیری او و زاده
منوچهری که هنوز در زندان است
اعتراض کردند و خواهان آزادی آنها
شدند.

آخر اجراهای دسته جمعی

کارگران نساجی را تهدید میکند

این اظهارات دیگر سندیکای کارفرماها
تهدید اخراجهای جمعی را که مدتی است
زمزمد آن اینجا و آنجا شنیده می شود،
صراحت پیشتری می بخشد.

دیگر سندیکای مذکور در توضیح تعطیل

کارخانجات نساجی، تکنولوژی عقب مانده

و فرسودگی ماشین آلات این صنعت را که

کنند، به صرفشان خواهد بود.

مرکز خبری کارگر امروز:
در هفته اول آباناه دیگر سندیکای
کارفرماهای صنعت نساجی طی
گفتگویی با روزنامه رسالت اعلام کرد
که بسیاری از کارفرماها به این توجه
رسیده اند که اگر در چهارچوب قانون
کار جدید کلیه کارگران خود را بازخرید
کنند، به صرفشان خواهد بود.

اعتصاب ۶ میلیون کارگر

علیه ریاضت کشی اقتصادی در ایتالیا

فراغون ۳ اعتصابه کارگری بزرگ ایتالیا و
بنده اعتصابات ۴ ساعته معلم در ماه

گذشته صورت گرفت. کارگران در اعتراض

به کاهش بودجه در بعض خدمات، کمک

های اجتماعی و عدم تعادل بین نزخ تورم

و دستمزدها به خیابانها رسیدند و دست به

ترانسپورت این کشور را تعطیل کرد.

به گزارش تایمز مالی، این اعتصاب سراسری

دولت ناچار به عقب نشینی شد.

مرکز خبری کارگر امروز:

روز ۱۲ اکتبر، حدائق ۶ میلیون کارگر

در دهیمن اعتصاب عمومی در ایتالیا

طی ۱۲ سال گذشته شرکت کردند.

اعتصاب پیش از ساعت صنایع و

و دستمزدها به خیابانها رسیدند و دست به

تظاهرات زدند. در اثر اعتصاب کارگران

دولت ناچار به عقب نشینی شد.

صفحه ۵

کنگره فلزکاران آلمان

علیه راست افراطی

به گزارش آژانس خبرگزاری آلمان، "دبپا"

رئیس هیئت مدیره اتحادیه فلزکاران آلمان،

"اشتاین کولر" دفاع از دموکراسی در بیان

اصناعی و انسانی و همچنین حفظ استقلال در

انعقاد قراردادهای دستمزد را وظایف مرکزی

و اساسی سازمانش می داند.

صفحه ۵

مرکز خبری کارگر امروز:

ادحادیه فلزکاران آلمان خواستار یک بیان

اصناعی برای دفاع از دموکراسی در

برابر رشد راست افراطی و نئونازیسم در

و اساسی سازمانش می داند.

صفحه ۵

کنگرو با احمد معین از فعالین جنبش کارگری و کمونیستی عراق

گرایش کمونیستی جریانی زنده در

جنبش کارگری عراق است

درباره ماجهای ساکو و نرتی

دانستان زندگی من

صفحه ۸

کمیته همبستگی کارگران ایران و اتریش تشکیل شد

مختلف با چنیش کارگری در ایران تیجه دزدیه ای از آکاهی در موزو و ضعیت کار و زندگی کارگران ایران در میان چنیش کارگری کشورهای مختلف است. اکنون کتر اتحادیه ای است که از سرکوب و اعدام کارگران ایران خبر نداشته باشد. و یا راجع به محرومیت کارگران ایران از حق تشکل و انتساب و حقوق شناخته شده بیگر نداند. اینها دستاردهای معینی هستند که با تثبیت و گسترش آنها میتوان جمهوری اسلامی را بیش از این تحت قشار گذاشت و از این طریق به مبارزات کارگران در ایران پاری رساند.

- همبستگی با کارگران اتربیش و حمایت از مبارزات و مطالبات آنها
- شناساندن شرایط کار و زیست کارگران ایران به کارگران اتربیش
- جلب حمایت جنبش کارگری در اتربیش از مبارزات و مطالبات کارگران ایران
- کیته همبستگی کارگران ایران و اتربیش

کمیته کارگری ایران در آمریکا به کمیته بین‌المللی همبستگی با کارگران ایران پیوست

ین اسلامی کارگری اهیتی حیاتی دارد. با تشکیل این کیته طرف گستره ای برای پیشبرد این اهداف بوجود آمد است. ما امیدواریم و تلاش می کنیم که کیته ای که امروز پایه گذاری شده است در ادامه و گسترش فعالیتش بتواند شرایطی را فراموش آورد که به نقطه انگلیس برای چنین کارگری ایران و مرکزی برای گسترش وحدت طبقاتی کارگران گردد. تا دیگر کارگر معترض در ایران بداند که هم طبقه ای هایش در سایر جهان موقوفیت و پیشبرد مبارزه او را موقوفیت در یک جبهه مبارزه خود می دانند و کارگر در ایران نیز هر چیزتر خود را جزئی از طبقه ای جهانی بینند.

سینه کارگری ایران - آمریکا
ماهنگ کننده - علی جوادی

اسپانسورهای کارگو امروز

نهادها:
کمیته همیستگی کارگران ایران - کانادا، کمیته کارگری ایران - آمریکا، مرکز مطالعات کارگری سوسیالیست - استکلهلم، حزب کمونیست ایران، کمیته بین الملل مهندسی همیستگی با کارگران ایران، شوریه انتربنیویون، شوریه دنیای کارگران، شوریه خد بات کریکار (سیاست کارگری) - عراق، شوریه اتحاد اسلامی (پیام کارگر) - عراق، شوریه لیگ اسلامی (پیام کارگر) - عراق، شوریه کردی کارگار مرو (کارگر اسردیز به زبان کردی) - عراق، شوریه اتحاد علمی عاملین (کارگر اسردیز به زبان عربی) - عراق، ده کوشش خد بات کریکار مهندسی همیستگی (آستان اتحاد بیانیه کمونیسم کارگری) - عراق، کمیته همیستگی کارگران ایران - افغانستان، کمیته همیستگی با کارگران ایران - فرانسه، کمیته همیستگی کارگران ایران و اتریش، کمیته همیستگی کارگران ایران و سوئیس.

ایرج آذین، مهدی اردی، محمود احمدی، ریسوار احمدی،
حسن ابراهیمی، زهرا اسدی، مرتفعی افشاری، فریده
زمان، فردین البرز، صلاح ایران دوست، نادر افغانی، سارا
پاکستانی، پهار ازاده، محمود ارویگ، قاطع بهرامی، فرهاد
شارشات، مجید بهروزی، نادر پیکانی، سوسن بیهار، بهزاد
پاکستانی، امیر پیام، پژوهی پرتوی، پارسا یاپا، گلله زبیان،
محمد تقی‌نوری، نسرن جلال، مسیحیه چهانی، حسن جباری،
امیر حسن زاده، رصان حسین زاده، خالد
جعاج علی‌محمدی، امید حسن زاده، مجید حسینی،
دانفر، سیاوش داشور، لیلا داشن، امیر رضامی،
رسان، محمود ایزدی، روزبه، رامین حسامی، گیتیش
زمانی، الاء زندی، سیامک ستوده، شعبانیار سامی، بهرام
رسوی، حسن ساوجلخانی، رضا شهرستانی، مصلح شیخ
الاسلامی، سعید شفیقی، سپیلا شرفی، فرانش شاهیان، علی
شاصی، ناصر شیشه کر، قاطع شیخ الاسلامی، مصطفی
شادیار، ناصریه صفیری، چهان عازمی، جمال طبری، پژوهیز
تهرانی، توران عازم، حسید فرامرزی، علی فرشنگی، محمد
علی‌پور، پایاک فراهانی، ایرج فرازد، فیضه قطبی،
بلیمان ساسیانی، محمود قزوینی، لیلا قانص، اختر
کلیری، یوسف کهن، امان کنا، بیروز کاوان، مریم کوش،
کاظمی، مرتضی کهنه، اسد گلچیانی، ابراهیم مظفر
حمدانی، مجید محمدی، حسین ساراد پیکر، احمد معین،
حسا مشن، اسماعیل مولودی، پریزین معاذی، حمید
محصولی، کوش مدربی، مسعود ناظری، مریم نیک قر،
کارل نیکخواه، کاظم نیکخواه، بهرام نوبیدی، فوزیه نصرت
اور، بیژن هدایت، ناصر پایگار، فیضیه پیزان پرست، علی

از سرنوشت ارسان شعبانی
اطلاعی در دست نیست

کارگران نورد اهواز خواهان افزایش دستمزد شدند

برگزیر خبری کارخانه اموزده: ریسطرو شعبانی چین کار ذر پاساز حبیبی
ستندج ساعت ۱۰/۵ صبح روز ۶۹/۱/۱۵ دستگیر شد. رژیم که از
نماینده‌های ارسطو شعبانی در مراسم روز
کارگر سال ۶۸ اطلاع داشت، تزدیک به دو
حققت مرتباً او را تحت شکنجه قرار داد و
از جمله مانع خواهیدن وی شد. ارسطو
شعبانی شش ماه در سلول انفرادی بسر برود
و سپس در یک محاکمه ۵ ساعته به ۲
سال زندان محکوم گشت. رژیم بعد از
بسیار مجدداً ارسطو شعبانی را تحت
شکنجه و بازجویی قرار داد و با تشکیل
یک پرونده جدید وی را تجدید محاکمه و
مرایی بار دوم و بیست هفت ماه روانه سلول
نفزادی کرد. از آن تاریخ تاکنون اطلاعی از
محکومیت جدید ارسطو شعبانی و اینکه
در چه شرایطی بسر میردد در دست نیست.
□

مرکز خبری کارگر امریقه: در فروردین ماه گلستانه کارگران کارخانه نوره لوله اموز برای افزایش دستمزدها و برخی خواسته های دیگر دست به اعتراضی زند که ۱۸ روز به طول انجامید. پنطیال این اعتراض سیاه پاسداران تعدادی از کارگران را دستگیر کرد. از چند روز قبل از اعتضاب جو کارخانه منتشر شد و اعتراضات کارگران به گرانی پایین بودن دستمزدها بالا گرفت. از جمله شمارهای نظری "مرگ بر دولت گرانی" و "مرگ بر مدنی" رئیس کارخانه، بر در

شورای کارگران کالکاری ک
علیه رژیم اسلامی

برقراری حکمیت خارج از امریقه: مدنیت اسلامی فعالیتهای کمیته همبستگی
ناآنگران ایران و کانادا، گروهون گرسیتی پیر اجرایی کارگران کالگاری
۳۰ هزار عضو دارد طی نامه ای به
سفارات ایران در کانادا سیاستهای ضد
کارگری جمهوری اسلامی را محکوم کرد.
سورای کارگران کالگوری طی این نامه
خواستار قطع فوری دستگیری، شکنجه و
اعدام کارگران شد و اعلام داشت قانونا کار
ایران باید بلاخلاصه لغو شود و جای آنرا
قانونی بگیرد که حقوق شناخته شده بین
المالی کارگران از جمله حق تشکل، حق
مازرات دسته جمعی و حق اعتراض را
برسیت بشناسد.

کمیته همبستگی کارگران ایران و فنلاند نشکیل شد

مشکل‌های کارگری فنلاند برسانند. تشکیل دهندگان این کیتیه فعالیتهای سابق خود را از این پس تحت عنوان کیتیه همبستگی کارگران ایران و فنلاند اطلاعیه اعلام موجودیت معرفه.

در این اطلاعیه که در تاریخ ۹۲/۰۱/۱ منتشر شده آمده است که تشکیل دهندگان این کیتیه همان کسانی هستند که طی دو سال و نیم گذشته تحت عنوان "هواداران چینش کارگری ایران" در فنلاند فعالیت میکردند و تاکنون توانسته اند چندین طعنانه اعتراضی علیه سیاستهای ضدکارگری جمهوری اسلامی را به تصویب

بقیه از صفحه‌اول **آخر اجهای دسته جمعی کارگران نساجی را** **نهادید میکند**

از سالی است که همواره نقش تسهیل کننده اخراجها را اینجا کرده است. هفته های پیش وزارت کار جمهوری اسلامی اعلام کرد که حاضر است از محل صندوق پیمه بیکاری بخشی از دستمزد کارگران را در زمان تعطیل و نوسازی کارخانه پیدا زند.

□

باقیه از صفحه اول **کمیته شد**

در زیر متن کامل اطلاعیه گفته هم استگی کارگری در آستان را که به دو زبان فارسی و آلمانی منتشر شده است، خواهدی خواند.

طبقه کارگر در ایران یکی از سخت ترین دورانهای زندگی خود را میگذراند. سرکوب مدارم، بی حقوقی گستردگی، منوعیت حق تشکل، تعییل سطح معیشت نازل از طریق دستمزد پانین و ساعات کار زیاد و در نتیجه تنزل قدرت خرد آنان، سرکوب ایالتوژیل مذهبی، آپارتايد جنسی علیه زنان و تفرقه بر اساس جنسیت، ملیت و مذهب همگی نمونه های بارزی از زندگی روزمره این طبقه در ایران را ترسیم می

در همین حال ما شاهد اعترافات این طبقه برای کسب شرایط زندگی انسانی و حقوق اجتماعی خود می باشیم. با آگاهی از این وضعیت، ما تعدادی از فعالین چنین کارگری ایران که به دلایل مختلف مجبور به مهاجرت شده ایم و در حال حاضر در آستان به کار و زندگی مشغول می باشیم، مستقل از اینکه خود را به جامعه کارگری آستان متعلق و مشکلات آنرا مشکلات خود می دانیم، اما بخطاط آشیانی و ارتباطی که با طبقه کارگر در ایران داریم، امر خود میدانیم که به دفاع از حقوق اجتماعی کارگران پرداخته و ضمن افشاری نظام ضد کارگری جمهوری اسلامی، فعالیت های فردی و پراکنده کنونی را همانهنج نماییم. بر این اساس به اتفاق عده ای دیگر از مدافعان چنین کارگری ایران فعالیت های مدفعنی را آغاز نموده ایم.

کارکردار امروز
نشریه انتزاعیونالیستی کارگری
WORKER TODAY
An International Workers Paper

سر دیر: رضا هقدم

Editor:
Reza Moqaddam

حساب بانکی: بهرام سروش
مرکز خبری: مصطفی صابر، نسرین جلال، مریم کوشان

Bank Account: ۵۲۰۱-۳۳۰۶۲۰۲
S.E. Banken
Stockholm, Sweden

پست گیرو
د. اسکاندربناری
POST GIRO 989012-0

Address:	درس	اروپا: یکساله ۱۴۰ کرون سوئد -
W.T. Box 6278 102 34 Stockholm Sweden		شماخه ۸۰ کرون سوئد
WORKER TODAY	حساب بانکی	دیگر کشورها: یکساله ۲۱۰ کرون سوئد -
GIRO KONTO 198242	در آلمان	شماه ۱۲۰ کرون سوئد
B.L.Z:50090100		بها برای موسسات
OKO BANK, 6000 FRANKFORT 1 GERMANY		دو برابر قیمت‌های فوق است

فرم ابونمان	قرم	
<input type="checkbox"/> مایل نشریه کارگر امروز را مشترک شوم. <input type="checkbox"/> شش ماهه <input type="checkbox"/> یکساله <input type="checkbox"/> لفظاً نشریه و صورت حساب را به آدرس زیر برایم ارسال کنید:		
Mr/Ms/Institution _____		
Address _____		
Postcode _____	City _____	Country _____
فرم پر شده را به آدرس کارگر امروز ارسال کنید		توجه! مشترکین نشریه در آمریکا و کانادا جهت دریافت کارگر امروز با آدرس مقابله تماش بکرند.
W.T. P.O.Box 241412 L.A., CA 90024 USA		

گرنگ کردن سازمانیابی سیاسی و سازمانی قله این "کشف" است. تشوریزه کردن تمايلات عقب مانده درون جنبش کارگری را علاوه بر بی بطاعته شوریه، فقط می توان با محدوده نگری معلمی، آنهم نوع جهان سومی اش توضیح داد. این کشف یخنی در مقابل حرارت حدائق ۱۵ سال تجربه و تاریخ جنبش کارگری در يك آن ذوب می شود. اتحاد کارگری حتی اگر دو خشت روی هم باشد، البته عزیز و گرانها است. اما تاریخ جنبش کارگری در عین حال تاریخ کارگران متعدد شده و شکست خورده ای است که از يك مستله غافل مانندند. و آن چیزی جز داشتن افق، آرمان، سیاست رایدکال و سوسپالیستی، پیروجم کردن مارکس و مارکسیسم و سازمانیابی سیاسی و حزبی نیست. اگر نفس بازیزنی يك گام به پیش بود، کسی که این تجربه مهم و تاریخی را قلم می کیرد و هنوز خود را با انتقامی مرده، با سازمانهای مرده و با انتقادهایی مرده مشغول می کند، چند گام به پیش رفته است؟ تعداد گامهای پس روی را نیز فقط و فقط با همین معیار می توان اندازه گرفت.

پنجم نکته حاشیه ای

به نظر من تصمیم اکثریت فعالین کارگری
چپ در پیوستن به سازمانهای چپ انقلاب
۵۷ نسبت به تصمیم اقلیت آنان مبنی بر
فعالیت منفرد عملی پیشرو بود. اگر طبقی
از فعالین کارگری افق و سیاستی غیر از
سازمانهای چپ داشتند، باید می‌رفتند و
سازمان سیاسی خط خود را تشکیل می‌
دادند. اما واقعیت این است که نداشتند.
نتد بر این پروسه واقعی و تاریخی مثل
نظر آن سینه چاک شعر و ادبیات است که
از کسادی ادبیات در سالهای انقلاب شکو،
من کند و خرسنده اش را از رونق آن در
سالهای پس از ۶۰ ابراز می‌دارد.
اگر کسی نتد پایه ای – طبقاتی به چپ را
پذیرفت، اگر مانیفست کمونیست را پیچم
کرde، می‌توان بر سر چگونگی تحزب
گرایش رادیکال کارگری، بافت و مکانیزم
آن، نقش و جایگاه فعالین کارگری در آن
وارد صحبت شد. کارگرد وارد شدن از درب
خروجی چیزی جز کمرنگ کردن سیاست و
مانیفست گرایش رادیکال کارگری نیست.
بریدن از چپ قبل از هر چیز باید بریدن از
افق، سیاست و خط سیاسی چپ باشد.
پیوستن به صفت کارگر سوسیالیست خودآگاه
را نیز باید بسادگی بتوان با شابلون و
معبارهایی روشن مثل اختراض به کار
مزدی، افق و هویت سوسیالیستی،
اترنشیونالیسم و پراتیک روتین منطبق بر
آن اندازه گرفت. نمی‌توان نتد کسی را که
هویت چند ساله اش نتد به سازمانهای چپ
بوده و در همان حال در هر اظهار نظر و
پراتیک یومیه همان چپ را به نمایش می‌
گذارد، جدی گرفت. او خود موضوع نتد
است.

محدث محمد، ستابام ۹۲

ناسیونالیسم پلاتفرم چپ بود؟ این را لائق
مرزو دیگر همه به یعنی خوار خوار خاطر
و زندگینامه شخصی و سیاسی می‌دانند.
مگر چپ انقلاب ۵۷ با تمام خط بندهای
سرسالی اش همین گرایش سیاسی را
نمایانیدگی نمی‌کرد؟ مگر آن همه اندرونی باب
نام وطن، "عقب ماندگی"، "شکوه از
صنعت موتاژ و واپسته، مظلومیت ملی
و غیر، سخن نگفته پروردند؟ اگر بخش
معینی از جریان ترقی خواه و ناسیونالیسم
پیرایزی پرچم چپ را بلند کرد، پرای این بود
که در بخشی از جهان یعنی بلوک شرق
میال او با این پرچم متحقق شد، صنعت
رشد یافت، عقب ماندگی مرتتفع گشت و
کشور از دروازه تمدن گشست. اگر این مدل
موفق نبوده بعیج ناسیونالیستی چپ نمی‌شد
مدل دروازه تمدن شاهنشاهی (پی شاه و
با شاه، با اعتراض و غرولند) مدل همینها
نمی‌بود. کسی که نتد پایه ای – طبقاتی را
با علم کارگر به نتدی سازمانی – بافتی
نتزل می‌دهد، قبل از هر چیز ناگاهی
خود از استقلال طبقاتی و کارگری را
شان می‌دهد. من پرای آنسته از فعالیتی
که در پروسه بازیشی چپ بجای تزدیک شدن
به مارکسیسم از آن دور شده‌اند، جدا
متأسفم. کاش برو فراز انگیزه طبقاتی –
کارگری این دسته از رفقا پرچم آگاهی
طبقاتی بر افراشته می‌شد.

کشفی نو؟

شناخته شده در جنبش سوسیالیستی کارگری ایران و کیته های همبستگی کارگری (اصلیت) صورت گرفته است را به یاد آنچنان کارگران تبعیدی نوشته اید و از آن فراتر حتی از ذکر نام این نیروها اجتناب کرده اید. این مستńها اگر چه شیوه ای رایج در میان نیروهای اپوزیسیون و چیز غیر کارگری می باشند بهمان میزان نیز از منافع واقعی کارگری بدورند. آیا کارگران ایران حق ندارند که بدانند چه نیروهایی در جل جل حمایت طبقاتی فعالیت نموده اند؟ رفیق یدالله عزیز ما از شما می خواهیم که با تقد علی این روش به مدافعین این

به امید موفقیت و همیستگی کارگری
علی جواودی - هماهنگ کننده کمیته
کارگری ایران (آمریکا)

فاتح پهرامی - هماهنگ کننده کمیته
همیستگی کارگران ایران و کانادا

۱ - رونوشت به انجمان کارگران تبعیدی
جهت درج در کارگر تبعیدی

۲ - رونوشت به کارگر امروز جهت درج
در نشریه کارگر امروز

۳ - رونوشت به بی بی سی جهت
اصلاح خبر مصاحبه مزبور

کار قرار نداده بود. مسئوال واقعی این است که مستقل از سازمانهای چپ، فعالین کارگری چه افق و دورنمایی، چه برنامه و سیاستی را دنبال می کردند؟ تا چه حدی به سیاستهای طبقاتی که بهره رتا درجه ای در سطح جامعه طرح شد سپاهی نشان دادند؟ جدا از اینکه بیشتر سازمانها از بین رفته و یا تنها از سازمانها جدا شدند و مستقل عمل کردند، پرجم کدام سیاست مستقل طبقاتی را برداشتند و برمن دارند؟

نه نظر من این نگرش با تمام "استقلال" کارگری اش خالک بر چشم کارگری من پاشد و به شناخت واقعی و طبقاتی از جانب کارگران لطمه می زند. واقعاً چه گله ای از جنبش طبقات دارا من توان داشت؟ اینکه چرا ما را دنبال منافع خود کشیدند؟! پس از انقلاب ۵۷، چپ بی پدر و مادری بیرون شده باشد. اهداف و میل، افق و آرمان این چپ، همانهای بود که حب همراه با تعلل خود در اینه رسماً

ناسیونالیسم پلاتفرم چپ بود؟ این را لاقل مروز دیگر همه به یعنی خروار خوار خاطره زندگینامه شخصی و سیاسی من دانند. مگر چپ انقلاب ۵۷ با تمام خط بندهای سراسری اش همین گرایش سیاسی را ناسیونالیست‌گی نمی‌کرد؟ مگر آن همه اندی پاب نعام وطن، "عقب ماندگی"، "شکوه از صنعت موتوتاز و وابسته"؛ مظلومیت مل ر غیره سخن نگفته بودند؟ اگر بخش معینی از جریان ترقی خواه و ناسیونالیسم پیرامیت یورچم چپ را بلند کرد، برای این بود که در بخشی از جهان یعنی بلژیک شرق میل او با این پیرامیت متحقق شد، صنعت رشد یافت، عقب ماندگی مرتفع گشت و کششور از دروازه تمدن گذشت. اگر این مدل مسحوق نبود هیچ ناسیونالیستی چپ نمی‌شد مدل دروازه تمدن شاهنشاهی (بنی شاه و با شاه، با اعتراض و غرواند) مدل همینها بود. کسی که نقد پایه ای – طبقاتی را با علم کارگر به نقدی سازمانی – بافتی تنزل می‌دهد، قبل از هر چیز ناگاهانه خود از "استقلال طبقاتی و کارگری" راشان می‌دهد. من برای آنسته از فعالینی که در پروسه بازیشی چپ بجای تزدیک شدن به مارکسیسم از آن دور شده‌اند، جدا متألفم. کاش بر فراز انگیزه طبقاتی کارگری این دسته از رفقة پیرامیت اگاهی طبقاتی بر افرادش می‌شد.

نوفی

(۳) اتریش، نامه اتحادیه سراسری کارگران اتریش به سفیر جمهوری اسلامی در این کشور

(۴) نامه اتحادیه سراسری کارگران فنلاند به سفارت جمهوری اسلامی در این کشور

(۵) سوئیس، نامه اعتراضی اتحادیه بین المللی کارگران صنایع غذایی سوئیس به نماینده جمهوری اسلامی در زیر

(۶) آمریکا، نامه ۱۲۶ نفر از فعالین جنبش کارگری این کشور، قطعنامه کارگران خدمات عمومی، اتحادیه معلمان، اتحادیه سراسری کارگران برق، رادیو و وسائل مادیتی

(۷) کانادا، نامه فعالین جنبش کارگری کانادا به دفتر حافظ منافع ایران در آتاوا

(۸) فرانسه، نامه سندیکاهای نیروی کار، کیسته هبستگی بین المللی و اتحادیه کارگران فرانسه به سفیر ایران در فرانسه

تجتعجن کارگران تبعیدی همراه با فعالین جنبش کارگری ایران طی این قطعنامه که به تصویب اتحادیه ها رسیده از اتحادیه ها خواسته اند که بخطار نقض حقوق کارگران در ایران و عدم اجرای مصوبات قوانین بین المللی کار در ایران، نمایندگی اعزامی از طرف جمهوری اسلامی را از کنفرانس مینهالل کار اخراج نمایند.

ویق عزیز شا در این مصاحبه فعالیتهای را که اکثرآ (بجز انگلستان) توسط نیروهای

سیدیم که کارگران باید خودشان مستقل
نمی‌کنند و به سازمانهای چپ کاری
داشته باشند. تا ز وقتی از آنها جدا شدیم
همیمیم که این سازمانها چفتر بی خودی
ساز را از هم دور کرده بودند. فدایی، راه
سارگر، خط سه، خط پنج و... الان
بارگران زیادی هستند که این تجربه را از
سر گذرانده و می‌خواهند مستقل عمل
نمی‌کنند. این پرسه تجارت نتایج خوبی داشت.
س این سالها مطالعات زیادی کرده ایم.
مان و ادبیات خوانده ایم، کلیدر، خدابیان
سوت و... با موسیقی ایرانی آشنایی
یادی پیدا کرده ایم. فلسفه و اقتصاد
خوانده ایم و در فکر ایجاد تشکل مستقل
بودمان هستیم. در حالیکه سازمانهای چپ
سامل روشنگرکار می‌شدند. اگر همان
موقع در این موقعیت قرار داشتیم و
مستقل عمل می‌کردیم، نتیجه چیز دیگری
می‌شد..."

گر چه نگرش اخیر به اشکال مختلف، ساده
یزجیده، خودمانی و تحلیلی و غیره اراده
می‌شود، اما بنایه تجربه "نقل به معنی"
وقوع که حاصل سالها تماش و برخورد با
آن، فقط بده است، لب مطلب است.

ند تشکیلاتی و نقد به بافت سازمانها
سازمان تجربه ای است که این نگرش بر
ستر بازیشی چپ بدمت آورده است. این
بیدگاه نقد به چپ و سازمانهای چپ را در
روشنکران و سیاست تشکیلاتی آنها خلاصه
می کند. آحاد روشنکران را توب باران می
نمند و جنبش، سیاست و جایگاه طبقاتی
جان را در آمان نگه می دارد. گویی اگر
افت چپ انقلاب ۵۷ باقی کارگری بود
حقوق انسان می شد. بر متن این محدود
گرگی است که فعال کارگری می توند پیشنهاد
ش را جلو بدهد و سرافراز یا گفتن
روشنکران کار را خراب کردن "گریبان
بود را از الودگی به افکار طبقات حاکم و
ادانی نسبت به منافع طبقاتی خویش،
ملاس کند. گویی گرایشانی مثل
اسیونالیسم، رفرمیسم، عقب ماندگی و
مردسالاری از دیوار خانه فعال کارگری
ببور نمی کند. گویی فعالیش که به
بازیشی و بازگان توهمند از
الاگاهی موتزار و اقتصاد تک محصولی
له داشتند، کارگران را جلوی سفارت
مریکا کشانند و درود و سلام تحويل
انشجوی خط امام دادند و با شروع جنگ
اد "وطن" افتادند، فقط "وظینه تشکیلاتی"
جام می دادند. گویی فعالیت روزمره
ترزیبات متعلق به طبقات دارا، پول و
درست و ابزارهای تبلیغی شان، لالایی های
اسیونالیستی، "مطلوبیت آذی و کرد و
لوج و... بازیهای کوکاکائی (عراق اقتتابه
ساز)، ایران پیکان میسازه"، شعرهای
بیستانی (دست در دست هم دهیم تامیهین
بند را کنیم آباد)، تربیت مردسالارانه،
عقب ماندگی و خرافات، سیمهای مبارزاتی
غیره کارگران و فرزندان آنها را مضمون

فامساعی که به قصد درج در این سیور ارسال
می شوند باشد:

- گواه باشند
- ۲- تاهم شده با کاملاً خوانا باشند
- ۳- هنایه روشنی مایل به درج نام خود نیست.
- فسریح شود تا امناً محفوظ باشد
- کارکلروز در اختلاط و تلخیس ناسماً آزاد است.

بہ سرد پیر

درباره نقد چپ در انقلاب ۵۷

یک گام به پیش، چند گام به پس

اشار مختلف از طبقات دارا از بازاری و
دلال تا مشاور اقتصادی، از ژورنالیست
مزدورو تا کارفرمای صنعتی از تاجر و
مقامات دولتی و اداری تا دکتر و مهندس
می توان مشاهده کرد. بخشی از سازمانها
و گروههای چپ بطوط مشکل و سازمانی
هیئت پرسه را طی کردند و به جریانات
کلاسیک مادر موجود در جامعه پیوستند.
تعدادی رسم و علنی تعلقشان به چپ را
حاصل دوران شباب و نادانی شان اعلام
کردند. ماحصل نظری یازیینی این بخش
اساساً بازتاب موقعیت اجتماعی و تطبیق
منفعت آنان با مجموعه شرایط سیاسی و
اجتماعی جدید و رفع توهشان است و
ازش مشکافی ندارد.

سازمانهای معینی نیز همراه با انتقاد و
انتقاد از خود به توجیه "چپ" بودنشان
پرداختند. این بخش اساساً خارج از پرسه
یازیینی قرار می گیرد. حال و روز این
جریانات هر چه حاشیه ای تو شدن و تبدیل
به فرقه هایی مکتبی است که بیش از
هفتاد و دو نوועش را می توان در
هندوستان رخواه کرد. دنبال کردن سرنوشت
بخشاهی مختلف چپ انقلاب ۵۷ پیویشه در
پی فربوشی بلوك شرق و علم شدن
دمکراسی و تاثیرات آن بر پرسه یازیینی
می تواند موضوع کار مستقلی باشد که در
چهارچوب این نامه نمی گنجد. هدف من
در اینجا پرداختن به نگرش معینی در
میان فعالیت کارگری است که در این پرسه
بوجود آمده است.

مرد پیر کارگر امروز! این
بنیش و گرایش رادیکال کارگری در ایران
ساممل کارگران بیویه فعالین و رهبران
متعدد می شود. اختلافات بر سر مسائل
تنوع یکی از موابع ارتقا خود آگاهی و
رسجام این جریان است. طرح و جدل بر سر
بن اختلافات یکی از وظایف مهم فعالین
بن جنبش است و یکی از آنها اختلافات
سوجود بر سر روش و چگونگی پرخوره با
چپ انقلاب ۵۷ است. فعالیت و پرایتیک
خش قابل ملاحظه ای از فعالین کارگری
پیویسه در انقلاب ۵۷ از نظرات، فعالیت و
پرایتیک "چپ انقلاب ۵۷" تأثیر پنیرفته
است. اگر کانونها و تشکلهای موجود در
مالهای انقلاب را شاخصی مهم برای
شخصی درجه نفوذ و فعالیت کارگران چپ
رجنس کارگری بدانیم، این معیار وزنه
سبتاً سنگی را نشان می دهد.

کمیته های انتصاب، شوراهای کارگری،
میران سندیکاهای، جنبش بیکاران و خانه
کارگر تهران و دیگر شهرها، مصادر زمین
مسکن، تشکلهای منطقه ای مثل کانون
بودوارهای شرق تهران، "شورای متحده غرب
تهران" و غیره نقش کمی و کیفی این قشر
کارگران انکار نابینیر است. تناقص
وقوعیت اخیر با جایگاه حاشیه ای چپ و
نقای مولقه های مختلف و متنوعی توجه
مالین کارگری چپ را به باز یعنی کل
بینیده چپ و باز تعریف رابطه خود با آن
در. بد نظر من نفس این کار یک گام به
ش بود.

لرخ يك ديدگاه

روش اتحاد را با نگرش این بهدید اجازه می‌دهد که مخصوصاً این روش از مانندی بازیگری "چپ" روندی باشد. هم‌مان با کارگران این روش را بتوانیم پس از خرداد ۱۳۹۰ بافت اصلی از مانهای چپ یعنی روشنگران و تحصیل روزگان نیز همین پروسه را طی کردند. غش اصلی این قشر (بمویشه در داخل شهر) برسرعت پروسه بازیگری خود را طی کرد و از "چپ" بدون خود دست کشید و به ایشان مادر منطبق بر موقعیت اجتماعی پیوست. سیاری از هم‌سازمانی‌های این روش پیوست. کارگران حب را هم اکننه، ده مان و اینک این سالها نشستم، به این توجه

آیا کارگران ایران حق ندارند بدانند چه
نیروهایی در جلب حمایت طبقاتی
فعالست نموده اند ؟

برگز خبری کارگر امروز: متنبال چاپ مصاحبه پداله خسروشاهی رادیو بی بی سی در نشریه کارگر بعیدی، کیته همبستگی کارگران ایران و کانادا و کیته کارگری ایران (آمریکا) بوده و معتقدنم که پیوستن هر چه پیشتر کارگران و فعالین سوسیالیست به این عرصه یک شاخص موقوفیت فعالیت ما من باشد.

فعالیت تاکنون ما به تابیغ قابل ذکری در دفاع از جنبش کارگری در ایران و جلب همبستگی طبقاتی کارگران آمریکای شالی و ایران منتج شده است. صدور ده ها قطعنامه و نامه اعتراضی از سوی تشکلها کارگری و مشخصا نامه اعتراضی را برداشت دیگر کنگره کار کانادا به نایاندگی از پیش از ۲ میلیون کارگر

۱۶ فرستند و پیشروی کارگر در ایران را پیشروی مبارزه خودشان من دانند.

۱۷ ما متسافنه شنا در مصالحه تان با بی ای سی که در کارگر تعیین شماره مسخر مرداد ۷۱ به چاپ رسیده است بی نوجوه به فعالیتهای این کیته ها اعلام اشتہ اید که تاکنون انجمن کارگران بیجیهی توانته قطعنامه هایی را در ربط با محکوم کردن رژیم جمهوری اسلامی در صوره تقض حقوق کارگران به تصویب چندین مختلف برساند که من توان به قطعنامه و نامه های اعتراضی نیز اشاره داشت.

۱۸ امور بین الملل اتحادیه سراسری کارگران انگلستان و اعلام اینکه قصد دارد به حضور نمایندگان حکومت اسلامی در کنفرانس بین الملل کار اعتراض نماید.

۱۹ نامه اعتراضی اتحادیه کارگران خدمات (نالگو) در کنفرانس سالیانه این اتحادیه نامه دیر کل اتحادیه تی اند چی کارگران ترانسپورت به سفارت ایران در انگلستان اعتراض دیر کل اتحادیه کارگران معادن قطعنامه مصوبه کنفرانس سراسری زنان اتحادیه نالگو مبنی بر بی حقوقی کارگران ایران

۲۰ سوئد، اعتراض اتحادیه سراسری کارگران مسوندن

نامہ

بہ سرد بیر

اعتراض کارگران فلز کار فنلاند علیه سیاستهای اقتصادی دولت

کارفرمایانها حمایت کرد. اتحادیه سراسری کارگران ضمن شکایت از اتحادیه کارفرمایان و وزیر مالی توافق نهاد. همچنان که در روز ۷ اکتبر، کارگران مثال در شهر "شورکو" ضمن حمایت از اعتضاب علیه طرح جدید دولت دست به تظاهرات زدند. ■

مچین کاہش حق بیکاری را به میزان ۱۰۰ مارک فنلاند در بر دارد. کاہش حق بیکاری شامل ۲۰ هزار کارگر خواهد شد.

لذت‌باب انتساب کارگران، اتحادیه کارفرماها یعنی انتساب را یک انتساب سیاسی و غیرقانونی خواند و ۵ کارگر انتسابی را خراج کرد. وزیر مالی نیز از اتحادیه

مرکز خبری کارگر ا
در اوائل ماه اکتبر
کارگران متال بیش
شهر "یوتاسکولا" +
جلید دولت دست :
ساعتنه زند.

ست که چندین بار از پارلیمان رای اعتماد بگیرد.
دولت به کارگران ابلاغ می کند که کشور در وضعیت و خیسی قرار دارد و نیاز به صرفه جویی بیشتر است، اما اقدام به خرید فروند هوایپرسی چت چنگی به مبلغ ۱۳ میلیارد مارک کرده است. بعلاوه قرار

پرویز عزیزان
شلاند در بحران عم
روز تعداد بیشتری
موسسات تولیدی و روز
بیکاری برای اولین بار

اعتراض کارگران برای حفظ شغل در آلمان

"درسدن" کارگران کار را متوقف کردند و برای حیات از کارگران فولاد راهی فرودگاه شدند. کار در فرودگاه کاملاً متوقف شد. بینای خصوصی کردن صنایع شرق آستان اعلام کرده بود که کارخانه منبور منحل خواهد شد. بدنبال اشغال فرودگاه، رئیس وزیری استان "زاکسن" به فرودگاه آمد و در مقابل کارگران از تصیم بنیاد خصوصی کردن صنایع به سختی انتقاد کرد. کارگران زمانی به آگسینون اشغال خود پایان دادند که او قول داد که علیه تصیم انحلال کارخانه اقدام خواهد کرد و مانع آن خواهد شد.

برگز خبری کارگر امروزه: ۱۶ سپتامبر، ۲ هزار کارگر فلزکار در اعتراض به اعتصاب و بسته شدن کارخانه فولاد "فرایتال" پیش از ساعت ۳ سالان فرودگاه "درسلن" در شرق آلمان را به اشغال خود درآورده‌اند.

میراث خبرگزاری آلمانی ("پ.ا."، اشغال فرودگاه آلمان آغاز شد. کارگران مانع آن شدنند که مسافران وارد معوطه فرودگاه و گمرک شوند. همزمان با این اکسیون در تعداد زیادی، از کارگاهها و میسات

بیکاری در دروس پیه

مرکز خبری کارگر امروز: بیکاری در رویسه به بیش از حد بیکاری در کشورهای اروپای شرقی خواهد رسید.
اخيراً سازمان بین المللی کار برنامه تحقیقاتی را در مورد میزان بیکاری در رویسه آغاز کرده است. مبنای این برنامه ۵۰۰ موسسه در رویسه است که مجموعاً بیش از نیم میلیون کارگر در استخدام دارد.
گزارش سازمان بین المللی کار "نشان می دهد که سطح تولید و همچنین شاغل بودن کارگران در تمام شاخه های صنایع بشدت

محافظه کار و مرزخانه های خاله چندین طرح برای کاهش هزینه های خدمات عمومی در بودجه سال آینده به پارلمان پیشنهاد کرده که بعضی بتصویب هم رسیده است، از جمله کاهش بیمه بیکاری، افزایش مالیات کارگران بین ۵ تا ۶ درصد، واگذاری پرداخت حق بازنشستگی بر دوش کارگران که قبل از کارفرمایها آنرا می پرداختند، کاهش هزینه آموزش و پرورش، بیمه های درمانی و لغو بعضی از سوسيدهای داشجنبیان و کرایه خانه، افزایش قیمت مواد غذایی و سوخت و پوشال، تعییل مالیات مسافرت به خارج کشور. فلاند ظرف ده ماه دو بار ارزش پول خود (amarck فلاند) را کاهش داد. اولين بار در نوامبر ۱۹۹۱/۸/۱۲ درصد و دومین بار در سپتامبر امسال با شناور کردن ارزش مارک پای چنین توافقی افزایش داده است. اما درصد از ارزش آن کاست.

اعتراض معدنچیان استرالیا علیه دولت

بنادر ایتالیا در اعتراض به اتحادیه های کارگری بنادر به بروکسل اعتراض کرد که انحصار اتحادیه ها در این بخش با قوانین رقابتس "کمیسیون اروپا" مغایرت دارد، وارد این درگیری شد. اختلافات بخش خصوصی و اتحادیه ها چندین بار در بزرگترین بندر ایتالیا "جنوا"، جانیکه بخش خصوصی انعطاف و اختیارات بیشتری دارد، به خشونت منجر شده است. اتحادیه ترانسپورت اعلام کرد تبدیل کردن این لایحه به قانون از طریق مذاکرات در پارلمان کاملا غیر ذمومکراتیک است. وزیر ترانسپورت از اتحادیه های کارگری بنادر خواست تا نیاز به رقابت را در بنادر به رسیدت بشناسند. طرح دولت نقش بیشتری به بخش خصوصی در اداره بنادر که هم اکنون تحت کنترل دولت است خواهد داد.

مرکز خبری کارگر امروز: روزنامه ۲۲ اکتبر، معاونیت امنیتی زغال سنگ استرالیا یک اعتراض ۴۸ ساعته را علیه صنایع زغال سنگ دولت آغاز کردند. این اولین اعتراض کارگران زغال فراخوان اتحادیه کارگران ترانسپورت صوت گرفت اعتراض ۴ روزه کارگران آغاز شد و کار در ۱۴۴ بندر ایتالیا متوقف شد.

به گزارش تایمز مالی، اعتراض کارگران پس از اعتراض اتحادیه ترانسپورت به طرح جدید دولت آغاز شد. دولت میکوشد نایابه ای را به قانون تبدیل کند که بر اساس آن به بخش خصوصی اختیار عمل وسیع تری در بنادر خواهد داد. کمیسیون اروپا پس از اینکه بخش خصوصی در

اعلام کردند که می توانند سطح تولید
فعالی شان را حتی با کاهش ۱۸ درصد
نیزیو کار حفظ کنند. حدود ۷۰ درصد
موسیقات قصد دارند در سال آتی خصوصی
شوند و این اقدام خود به بیکارسازی وسیعی
کارگران منجر خواهد شد. کارگران صنایع
شیمیائی، فلز و بخش مهندسی قریانیا
اصلی بیکارسازی ها خواهند بود. رئیس
تسازمان بین المللی کار در بخش اروپایی
شرقی اعلام کرد که آمار دولتی که نزد
بیکاری روییه را تنها ۱ تا ۲ درصد نشا
می دهد مشکل بیکاری را بطریق فاحش
تاختین می شمرد.

تغییر دولت مستند.

اتحادیه های کارگری که در دست سوسیال دمکراتها است در این شرایط حساس دچار سرگیجه شده اند و از براه افتادن آکسیونهای اعتراضی نگرانند. آنها تنها اعلام کرده اند که امسال نمی توانند قرارداد انجام دستمزدها را قبول کنند. اما اتحادیه کارگران مثال به تنها یکی تا بحال چندین اعتراض و تظاهرات محلی را سازمان داده است. یکی در شهر یوواسکولا در تاریخ ۹۲/۱۰/۵ بود که چهار هزار کارگر متال علیه دولت و طرحهاش نصف روز اعتراض کردند. روز بعد کارفرمایان اعلام داشتند که اعتراض کارگران سیاسی و علیه دولت بوده است و اعتراضیون را تهدید به اخراج کردند. همان روز وزیر امور مالی از تهدید کارگران توسط کارفرمایان پشتیبانی کرد. کارفرمایان همچنین تهدید کردند که اگر کارگران دست به اعتراض عمومی بزنند سهمیه خود به صندوق بیمه بیکاری را قطع خواهند کرد. اما اتحادیه کارگران مثال که یکی از بزرگترین اتحادیه های کارگری فنلاند است و ۱۵ هزار عضو دارد مجدداً در روز ۹۲/۱۰/۶ در شهر تورکو یک تظاهرات و سخنرانی سازمان داد. و هبرب حزب محافظه کار اعلام کرده است که ما فقط احتیاج به نیم میلیون کارگر داریم و بقیه زیادی اند.

یکاری اتحادیه ها و کاهش سهمیه کارفرمایان، کاهش تعطیلات کارگران، لغو انعقاد قراردادهای دسته جمعی در سطح کل کشور و رشته های صنعتی و بجای آن انعقاد قراردادهای دسته جمعی در سطح کارخانجات، فرستادن کارگران به تعطیلات اجرایی در زمانی که کارفرمایان تعیین می کنند و بدین پروداخت مزد.

یکی از رویدادهای تاریخی در این کشور در سپتامبر گذشته روی داد. یکی از چهار اتحادیه مرکزی، کارگران فنلاند از نظر مالی ورشکسته شد. از بین رفت. این اتحادیه که کارگران بیمارستها و پرستارها بزرگترین بخش آنرا تشکیل میدادند ۳۰۰ هزار عضو داشت. قرار است اتحادیه هایی که در این اتحادیه مرکزی عضو بودند جذب بقیه اتحادیه های مرکزی بشوند. این رویداد بگفته روزنامه ها اوین بار است که در سطح اروپا اتفاق میافتد.

درین کابینه دولت هم اوضاع آرام نبوده است. تاستان گذشته وزیر بهداشت و امور اجتماعی در اختراض به طرح کاهش هزینه های دولت که نصف آن کاهش هزینه بهداشت و خدمات عمومی است، استعفا داد. علیرغم مقامهای نخست وزیر، وزیر بازگانی را بعلت ورشکسته شدن شرکتکاری از کابینه کنار زدند. اختلاف نظرهای بسیار بناء د. کابینه، نخست وزیر اتحادیه که

آزادی کارگران دستگیر شده در کرکوک عراق

کارگران دستگیر شده در کرکوک آزاد شدند
مرکز خبری کارگری امروز: بدبال یک عفو عمومی از طرف رئیس
عراق از جمله ۵ کارگر دستگیر شده
نماجی کرکوک عراق که خبر آ
چندی پیش در کارگر امروز درگ شد
بود از زبان آزاد شدند.

بمناسبت مقدمه‌مين کنگره آ. گ. . مطال در آلمان
اولين کنگره مشترك مجموعه دو آلمان در
وضعیت از هم گستاختگی صنعتی آلمان شرقی

از نشریه: تاتنی، چاپ آلان
ترجمه از: رها پایا

خود را بروی مستله "مسنولیت همگانی سیاسی بطور عموم" مبترکز کرده است. سخنران سپس ضمن معکوم کردن چهت گیری های اقتصادی که مبنی بر سود فوری است و کل جهان را بسوی یک فاجعه می برد بر اصل همبستگی جهانی تأکید کرde. در حالیکه در خود کنگره ابعاد جهانی مسائل خیلی کمتر مورد توجه قرار گرفت تا مشکلات و مسائل وحدت دو آلمان که بخصوص اگ.متال درگیر با آن است. بطور مثال برابری دستمزدها در شرق و غرب آلمان در سال ۱۹۹۶، قبل از سوی اتحادیه به کرسی نشانده شده بود. اکنون می بایست با این مستله روپرتو شود که با گسیختگی صنعت در شرق آلمان آنرا به خاک بسپاره و فراموش کند یا خیر؟

در رابطه با کارخانجاتی که در حالت اضطراری قرار گرفته اند شفار در رابطه با پرداخت پایین تر از قراردادهای دسته جمعی برای حفظ و ادامه کار این کارخانجات تنها از سوی حکومت وارد نمی شود بلکه کارفرماها و مستولین عمل خواهان باز شدن سوراخی در مستله قراردادها هستند. بعلاوه در بسیاری از کارخانجات شرق،

در مراسم گشایش هدفهین کنگره اگ.متال هیچ چیز خوبی خود را نشده بود. در ساعت ۳ بعداز ظهر روزن ۱۰ اکتبر می بایست جشن آغاز کنگره شروع شود. در برنامه چاپ شده چنین آمده بود: آشغال صندلی ها و حضور در سالن. بزرگترین اتحادیه جهان با پیش از ۲/۱ میلیون عضو در حالی هدفهین کنگره خود را افتتاح میکرد که خود را در یک چشم انداز ناروشن و میهم از نظر سیاسی و اجتماعی می باید: گسیختگی ساخت صنعتی درشرق و بعزم شروع شده در غرب با علامت قری در شاخه های اصل صنعت فلز، که علم امنیت شغلی را پیش از پیش در این رشته ها دامن میزند.

سخنران افتتاح کننده کنگره، رئیس کلوب رم "ریکاردو دیس هوخ لایتنز" هم توانست بهر حال اخبار آرام کننده ای را به حاضرین بدهد. بنظر او سندیکاهای و اتحادیه های مانند دولت و کارفرماها، اغلب هنوز در وضعیت نیستند که واگستگی و پیوند مدل های رشد صنعتی را درک کنند و فشار

فراخوان برای اخراج شوراهای اسلامی از سازمان جهانی کار

تائید قرار گیرد. ما مطالبات زیر را معموری و اساسی می‌دانیم:

- ۱ - خواست محکوم کردن جمهوری اسلامی بخاطر تعامل بی حقوقی، دستگیری و اعدام فعالین کارگری و محکوم کردن قانون کار ارتباعی و ضد کارگریاش.
- ۲ - بررسیت شناختن حق تشكیل و اعتضاد از جانب جمهوری اسلامی و قانون کار.
- ۳ - اخراج نمایندگان شوراهای اسلامی از آی‌ال‌او.

امضا کنندگان:

- ۱ - کمیته همبستگی کارگران ایران و کانادا، هماهنگ کنندۀ: فاتح بهرامی
- ۲ - آمریکا - کمیته کارگری در مورد ایران، هماهنگ کنندۀ: علی جوادی
- ۳ - کمیته همبستگی کارگران ایران و سوند، هماهنگ کنندۀ: بهزاد بارخایی
- ۴ - کمیته همبستگی کارگران ایران و فنلاند، هماهنگ کنندۀ: پرویز عزیزان و ریسوار عارفی
- ۵ - فرانسه - کمیته همبستگی با کارگران ایران، هماهنگ کنندۀ: نادر بکشاش
- ۶ - انگلیس - کمیته همبستگی با کارگران ایران، هماهنگ کنندۀ: امان کفا
- ۷ - آلمان - نشریه پیک کارگری، هماهنگ کنندۀ: مسعود رازی

مبارةه‌است. پیشیانی کارگران جهان از این مبارزه و مطالبات خواست طبقه کارگر عراق است و می‌تواند تأثیر فراوانی در مبارزه و زندگی آنها داشته باشد. مهمترین مستله حلا رفع معاصره اقتصادی از عراق و همچنین معاصره اقتصادی رژیم عراق از مردم کردستان است. این سیاست ضد بشري باید مورد اعتراض طبقه کارگر جهانی باشد. سیاست کشورهای امپریالیستی در منطقه باعث ادامه فلک و آوارگی پیشتر بود. کمیته همبستگی پیشتر بیشتر بورژوازی شده است. سیاست دخالتگری امپریالیستها باید از طرف طبقه کارگر جهان معمکن شود.

جنش کارگری و فعالین آن از طرف بورژوازی مورد حمله و دستگیری و شکنجه و اعدام قرار گرفته اند. کارگران عراق حق فعالیت سیاسی و صنعتی ندارند. در کردستان اعزاب بورژوازی به رهبری "جبهه کردستان" به همان شیوه و روش رژیم بعضی سیاست سرکوبگرانه ای در مقابل طبقه کارگر در علیه آن هنوز شکل نگرفته است.

بنظر شما کارگران جهان در این شرایط چگونه می‌توانند هملتی و پشتیبانی خودهان را از کارگران عراق اعلام کنند؟

این پشتیبانی و همکاری که نشانه اتحاد جهانی طبقه کارگر است میتواند به بصورت رساندن صدا و اخبار مبارزات کارگران عراق به گوش کارگران جهان و پیشیانی از مطالبات باشد. امروز کارگران عراق بی حرقوی اند و در شرایط سختی پسر من بزند و برای رفع این مشکلات در حال مداوماً محکوم شود.

جشن اول ماه مه در میان کارگران شرکت گاز

تا قبل از سال ۷۰ پالایشگاه طبق فتوای امام وقت جزو محدوده خارج از شهر کبیر تهران قرار داشت. حال طبق رسماً شرعاً هر شهر و روستا همچنانی که در ماه رمضان روزه میگیرد و در خارج شهر زندگی میکند باید برای اینکه روزه آش قبول شود و نمازش شکسته نشود، پیش از ظهر شرعاً به شهر بازگردد و پس از آذان ظهر به محل کار خود بپرگردد. این امر مشکل بزگ برای مراکز صنعتی و تولیدی خارج شهر که از فتوای خیثی و امثالهم پیروی میکردند به بار آورده بود. تزدیک ساخته اند آنرا وضع خنده آوری پیش می‌آمد و دیگر هیچ گفتش در تأسیسات نبود. کارگران یا اینکه با سرویس ۱۱ به شهر رفته بودند و دیگر نیز آمدند و یا اینکه وسط کار همه چیز را رها کرده و با سرویس که شرکت پالایشگاه در اختیار واتندن جریانی و ماشین الات و کارگران میگذاشت به منطقه نازی آباد می‌رفتند تازی می‌خواهند و پس از یک ساعت باز میگشندند. در این مدت همه کارها ناگهان می‌خواهند. و اندشه هایی که بار آورده بودند و یا بار را بیرون می‌برند باید برای تخلیه و یا بارگیری چند ساعتی منتظر می‌مانندند. خصوصاً آنها که کارگران نیمه کار رها شده بودند. بهر حال این دستور شرعاً بود و هیچکس جرات جلوگیری از آنرا نداشت. تا اینکه شرکت در اوایل سال ۷۰ دست پیدامان چند آیت الله شد و این سنت را مانند زیادی از آن شکر شد. شطرنج برچینند. و فتوا آمد که ساکن تهران باید شهر ری و حومه آنرا جزو بلاد کبیره و موطن خود به حساب آورد.

پرویز کاوان
کارگر اخراجی پالایشگاه تهران

به اقدامی قاطع و موثر علیه سیاستهای ضد کارگری جمهوری اسلامی لازمت در ابعاد بین المللی فشارهای متصرک و هماهنگی شروع شود.

نه ماه به کنگره بعدی آی‌ال‌او بیشتر باقی نمانده است. طبق سنت آی‌ال‌او برای اینکه قطعنامه ای ذر کنگره موره بررسی قرار گیرد، لائق سه ماه قبل از کنگره باید بدلست کمیسیون قطعنامه رسیده باشد.

بعلاوه قطعنامه هاش موره رسیدگی قرار می‌گیرد که از جانب اتحادیه های بزرگ و سراسری مانند دی‌جی‌بی و آئی‌جی‌متال، و در همبستگی با کارگران ایران پشتاوه موثر تداوم این کمیسیون است. قطعنامه سازمان سراسری کنگره کار کانادا از جمله نمونه هاش است که اتحادیه های سراسری دیگر را باید از آن تشغیل نمود.

ما همه کمیسیونها، کارگران سوسیالیست ایرانی و همه علاقمندان به سروش جنش کارگری در کشورهای مختلف علیه جمهوری اسلامی و در همبستگی با کارگران ایران پشتاوه مصوب شده باشد. لذا باید از همین الان دست بکار شد و تلاشی هدفمند را در کشورهای مختلف در دستور گذاشت تا دیگر را باید از آن تشغیل نمود.

قطعنامه هایی برای پیشنهاد به آی‌ال‌او، تصویب گردد.

برای مورد مضمون قطعنامه‌ها خواستهای پیشیار ریاضی وجود دارد و بدلاً این انتقادهای متعدد باید جمهوری اسلامی را معکوس کرد. اما در یک کمیسیون متصرک و هماهنگ لازمست خواستهای محوری و اساس مورد می‌مانند. اگر بخواهیم همه تأثیرات ضد پیشیار معاصره اقتصادی را برهمانی طقات خارج است.

موضوع کارگران عراق در مقابل معاصره اقتصادی بدلاً تبلیغات اجتماعی و مسوم کنندۀ بورژوازی اپوزیسیون دچار توهمند و ابهامات شده بود و گاهها بدلاً ضعیف شدن رژیم پیش از اظهار خوشحالی هم می‌گردد. اما بعداً پیشان معلوم شد که تنها قربانیان این معاصره اقتصادی کارگران و زحمتکشان هستند، سرمایه داران مرکزی و محلی سطح میغذیانشان نسبت به گذشته فرقی نکرده است. کارگران این معاصره را محکوم می‌کنند ولی اعتراض توده ای علیه آن هنوز شکل نگرفته است.

هم اکنون کارگران وسایل خانه اشان را برای اهاران معاشر خود میفرشند. ذوزدی، فحشا و جنبیت روز بروز پیشتر می‌شود. صدها هزار انسان بعلت فقدان دارو زجر میکشند و روزانه صدها و هزاران انسان مریض و اطفال بهمین خاطر جانشان را از دست می‌دهند.

حتی تأمین نان خشک برای خانواده های کارگر و زجعنش هزینه زیادی دارد و در بعضی جاهای افراز یک خانواده شرکت به تدبیکتی نویتی غذا می‌خوردند. یعنی هر دوسته دعادی از افراد یک خانواده گرسنه می‌شود. یعنی تمام کسانی که مجبورند برای حداقل نان بخورد و نیز وحشیانه کار کشته از اینهاست. اولاً در خود متن هم‌جا از خیابان در سرما برلزند تا سرویس بیاند ۷ شب که از سرویس پیاده می‌شوند و نه خانه می‌برند. البته این طیف از پرسنل از همین روزی نیز می‌دهند که این گزارش نه این مطلب نشان میدهد که این گزارش نه درباره پالایشگاه نفت پارس که پالایشگاه اضاهانه کاری می‌کند که بینین ترتیب هفته بعلاوه در سیترون سوم، پاراگراف دوم، خط پیمانه، پیروزه ای و... پنج شنبه ها سر کار حاضر می‌شوند. یعنی پنج شنبه ها سر پیمانه، پیروزه ای و... اضاهانه کاری می‌کند که بینین ترتیب هفته ای ۲۰ ساعت اضافه کاری می‌کند پریز کاوان کارگر اخراجی پالایشگاه تهران

توضیح کارگر امروز: گزارش مذکور مربوط به اینی معیط کار است و کلمه امنیتی آدم را باد ساواک می‌اندازد.

همچنین در سطر آخر گزارش آمده است که کارگران قرار دادی روزانه ۱۳ - ۱۴ ساعت کار می‌کنند که این نادرست است.

نیز این مقنن کار مربوط به همه پرسنل پالایشگاه تهران است.

پیش از صفحه ۹

گزارش از شرایط کار در شوکت ملی گاز ایران

در سال ۷۷ بود که اینار ساوه بطور عملی با امکانات رفاهی در حد صفر آغاز پکار گردید. بطوریکه در آغاز حتی نهار خوبی وجود نداشت و تا سال ۷۰ کارگران برای نهار با سرویس به قهوه خانه و یا چلوکابی نزدیک آنها برداشتند. اما اکنون

کارگران تاسیسات گاز یک نهار خوبی می‌شوند. اما اکنون

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز از ۵۰ متر) سقوط عدم رعایت مسائل ایمنی از

و گاه حدوه نیمساعت تا چهل و پنج دقیقه از وقت استراحت کارگران صرف گرفتن طولانی است و دیدار با رهبری، مجلس، نیاز جمعه و غیره و می‌شود. تا سال ۷۰ نهار کارگرانی که برای اضاهانه کاری می‌مانند بر عهده شرکت اما پس از آن نهار قطع شد و مبلغ یکصد تومنی، با پنهانی می‌شود. هر یکی از خروج از

تومان باید نهار هزار دارد. هر یکی صبحانه بعده خود کارگران است و تنها ماهانه کمی چای و قند به اینها داده شرکت بود

سهمیه هر سه ماه در یک نهار قطع شد و مبلغ یکصد می‌گردد. هر روز سه سرویس در مسیر مطابق روال هر سال با شکست و تباش شرکت از پالایشگاه کار می‌کند. سرویس اصلی که

پالایشگاه مذکور می‌شود. این از ساعت ۱۰ تا ۱۵ متر با قطع شد و طبق محدودیت می‌شود. اما این کارگران شرکت از ساعت ۱۵ تا ۲۰ متر با قطع شد و می‌شود. هر یکی از اینها در یک نهار قطع شد و مبلغ یکصد

می‌گردد. هر روز سه سرویس در مسیر مطابق روال هر سال با شکست و تباش شرکت از پالایشگاه کار می‌کند. سرویس اصلی که

آنکه شرکت از پالایشگاه مذکور می‌شود. این از ساعت ۱۰ تا ۱۵ متر با قطع شد و طبق محدودیت می‌شود. هر یکی از اینها در یک نهار قطع شد و مبلغ یکصد

گاز در تاسیسات ری از جمله مخازن ۱۸ می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. سیستم گیت تهران، انبارها و واحدهای مسنبولیت پاکسازی و لایرسی مخازن است و کلمه امنیتی آدم را باد ساواک می‌اندازد.

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تنی گاز مایع، مرکزی پارگیری گاز ایمنی می‌شود. هر یکی از اینهاست. در واحد های

هزار تن

ساقو

داستان زندگی من

آن کار میکند و روزانه فقط ۱۳۵ دلار چقدر خوشحالم از اینکه می داشم. همشهریهای در پیشوت باش عشق را که درآمد دارد. من هم تا مدت قبیل یک دوره طولانی بیمار بودم. به آنها داشتم میدهنند. آنها نه فقط از وکلای حایات میکنند - هر چه باشد پول محبت کوچکی است - بلکه اعتقادشان به یکگاهیم را مستقیم و غیر مستقیم به من اطلاع داده اند. آنهاش که دور دستهای خوب را خواهند داشت که ما باید آنها را پیغوریم. سر حال به سمت آجریزی ها راه اند فقط کارگر نبودند بلکه کاسپکارهای هم که مرا می شناختند در میانشان بود. و نه فقط ایتالیانی ها بلکه هم چنین بیهودی ها، لهستانی ها، یونانی ها و آمریکانها.

بگذرید، یک سال تمام در کارخانجات استون و هیجده ماه در شرکت ریسنگر کار کرد. شرکت فمالم در اعتقاد ریسنگان جستجوی دوباره کار را برایم غیر ممکن کرد. علاوه بر آن ظاهر شدن در مجتمع و گروههای کاری مختلف به عنوان سخنران یافتن کار برای من را هر چه بیشتر سخت می کرد. در بعضی از کارخانجات نام در "لیست سیاه" قرار داشت. با اینهمه هر کدام از کارفرمایی های پیشماری می تواند کوچه کند که من کارگر زنگ و قابل اعتقادی بودم و نهایا اشتباهم آن بود که اندکی روشنی فهم مسائل را به زندگی همکارانم وارد می کردم. ملتی را به کار سخت در شرکت ساختهای "سامپسون و دونالد" اشتغال داشتم. من توأم بگویم که تقریبا در تمام کارهای ساختهای بنایی عمومی شهر پیشوت شرکت داشتم. تقریبا همه ایتالیانی های شهر و هر سر کارگرم در مشاغل مختلف می توانند تائید کنند تلاش و زندگی از امام در این دوره باشند. در آن زمان علاقه زیادی به مسائل معنوی داشتم. به امیدهای بزرگی که مرا حقیقتی در انتظار مرگ به خاطر جانیتی هستم که مرتکب نشده ام در سلوهای تاریک زندان سرشار می کند.

وضع سلامتیم خراب شده بود. سالهای کار و سالهای وحشتمنگر بیکاری بخش زیادی از نیروی اولیه ام برای زندگی را از من بیرون نداشت. بدنبال تغییری در زندگی ام بودم. حدودا هشت ماه قبل از دستگیری ام دوستی که به وطن برمی گشت به من گفت: "یهای اینکه زیر طبق کارفرمایی بمانی چرا چون دستی هم صراحت چاقو و ترازیم نمی خری و با آن ساهی فروش کنی؟" از این فرصت استفاده کردم و ماهی فروش شدم. به عشق مسئله بود.

روز ۲۶ دسامبر، روز قبل از شب آمریکا آخرين ماهیهای آن سال را فروختم. کاسپی خوبی بود زیرا همه ایتالیانی ها در شب آمریکا شمار ماضی می خوردند. روزهای چشم آمریکا شد و بعد از آن بسیار سرمه بودند. هر دادن یک چون دستی هم کار چندان گرم کنند ای نیست. برای مدتی که کار سخت نمی خوردند. بعدها زیرا کار بزرگ با یک وسیله دیگر و بعضی ها هم می خوردند. یاد می آید که در عرض رقصیدند. یاد می آید که در عرض بیماری های زیادی وجود داشت. یک پس از دوست چشمی دچار تب می شدیم. کمتر روزی بود که نیکی از ما دندانهایش را از بیماری به نسبت از شدید شد. بعدها زیرا کار به اندازه کافی نبود. بعد از تمام شدن کار بیانی پیش آغازی مارکلند به بعد شانس پیشتری داشتم. آغازی طوفان برف دوباره مرا از کار بیکار کرد. بیکاریم چند ساعتی پیشتر طول نکشید زیرا بالاگاهه در شهرداری به عنوان برف شروع بکار کرد. کار شهرداری که تمام شد باز هم به عنوان برف روب در راه آهن مشغول شدم. بعدش باز هم در شرکت ساختهای سامپسون که یک کاتال آب برای کهانی پیش پوریتان می کشید شروع بکار کردم و تا پایان کار آنچه ماندم.

بعد از آن باز هم کاری پیدا نکردم. اعتقاد راه آهن جلو تحویل سیمان را گرفته بود طوریکه کارهای ساختهای نمی توانست انجام شود. دوباره به فروش ماهی روی آوردم اما ماهی هم کمتر گیر می آمد. روز اول آوریل با یک ماهیگیر قرارداد شراکت بیست که البته هیچگاه اجرا نشد چونکه روز ۵ مه هنگامیکه در تدارک یک مراسم اعتراضی توده ای علیه قتل زالسدووس توسط قوه قضائیه بودم دستگیر شدم. دوست و رفیق خویم ساکو هم همراه من دستگیر شد.

به همینگر گفتیم: "باز هم یک مورد دیبورت". اما چنین نبود. اتهامات وحشتمنگر را که علیه ما به عمل آمده است تمام دنیا می شناسد. متمم به



ساکو (سمت راست) و ونزوئلی

ماه آنچه ماندم. کار تقریبا از توان من بیشتر از من بود. او از روز قبل چیزی نخوردید بود اما بعد از پایان کار خیلی خوش میگذشت. ما آنچه یک دسته کامل از همشهریها و هم ولایتی ها در شب میتوانیم و توسکانا و ونیز. این دسته کوچک تقریبا به نوعی خانواده تبدیل شده بود. آدم شبهای تلخی روز را فراموش میکرد. یکی با همیشگی و بیکاری کاری زیاله را دنبال یک برج کلم یا یک سبب زمینی گذیده زیر و رو می کردند. سه ماه تمام سراسر نیویورک را سر زیر یا گذاشتند. بیانکه کاری پیدا کنم. یک روز صبح به جوانی بخوردید که بیماری و

ماه آنچه ماندم. کار تقریبا از توان من بیشتر از من بود. او از روز قبل چیزی نخوردید بود اما بعد از پایان کار خیلی خوش میگذشت. ما آنچه یک دسته کامل از همشهریها و هم ولایتی ها در شب میتوانیم و توسکانا و ونیز. این دسته کوچک تقریبا به نوعی خانواده تبدیل شده بود. آدم شبهای تلخی روز را فراموش میکرد. یکی با همیشگی و بیکاری کاری زیاله را دنبال یک برج کلم یا یک سبب زمینی گذیده زیر و رو می کردند. سه ماه تمام سراسر نیویورک را سر زیر یا گذاشتند. بیانکه کاری پیدا کنم. یک روز صبح به جوانی بخوردید که بیماری و

در دنیاگردی را داشته باشد. گفتم در میان شود درهم ریخت. در یک روز غم انگیز مادرم بیمار شد. در این مدت آنچه را که او، خانواده ام و من کشیدم، هیچ قلصی نمی توانند توصیف کنند. که اینها او را دچار وحشتمنگری کنندند تشجعها میکردند. نه علم و نه عشق نمی توانستند کمک بکنندند. مادرم بعد از سه ماه بیماری در آغوش پیه مونت" به دنیا آمد. شهر ما که در ساحل سمت راست رود "ماگرا" در سایه یک رشته زیبا از تپه ها روی پایش ایستاده است. سرگذشتی که بیانکه زندگی یک نسل کامل از کارگران مهاجر است. ارویا برگزار شد. سرودها و اشعار زیادی برایشان گفتند. با تمام اینها حکم

دلبیل برق قطع می شد، تاریکی مطلق بود و نمی شد بیون اینکه به چیزی خود حركت کرد. بخار آب جوشی که در آن بشتابهای، مایمیتاهای ها و فاشق چنگلهای نقره ای شسته می شد در زیر سقف قطارات آب تشکیل می دادند که آهسته، یک پس از یکی دیگری، هنگام کار روی سرمه فروزه بودند. هنگام کار گرما غیر قابل تحمل بود. نه مانند غذاها که در سطلهای نزدیک آشپزخانه ریخته می شدند بود گند میدادند. طرفشویی ها راه فاضلاب نداشتند طریقی که آب گفت اتاق جمع می شد. در وسط اتاق یک راه فاضلاب بود که آن هم هر شب می گرفت. آب پر از چیزی بالا و بالاتر می آمد و ما در کشافت فرو می رفتیم.

ما یک روز ۱۲ و روز بعد ۱۴ ساعت کار میکردیم و هر دو هفته یکبار روز جستجوی طولانی و بین شر ما میلیم به کار را از دست داده است. این پدیده ای غیر معمولی یکی داشتند که بیانکه کاری تو را زمینگیر میکنند. تو جسما قادر به چنین کاری نیست. دوسته رواب داد. سرمه ریخته بیانکه کاری را بخواهند کرد. همچنان مهاجر ایتالیانی، فعال چنیش کارگری و آثارشیست در سال ۱۹۲۱ به چیزی اعاده میکنند. پنجه سالهای زندگی، دادگاه و مسلهانه توام با قتل دستگیر شدند. کل ایالت ماساچوست حکم دادگاه را یک کارگری چنیش کارگری ساکو و ونزوئلی دو معرفی کرد و از چیزی اعاده هستند. پنجه سالهای زندگی، دادگاه و ایالت ماساچوست حکم دادگاه را یک کارگری چنیش کارگری و آثارشیست شده است. "دانستان زندگی" هم سیاه در تاریخ قضایی آمریکا مهاجر ایتالیانی، فعال چنیش کارگری و آثارشیست در سال ۱۹۲۱ به چیزی اعاده میکنند. مصلحهانه توام با قتل دستگیر شدند. کل ایالت ماساچوست گفت فیلمی که برای آزادی آنها صورت گرفت فیلمی که در زندان شهر چارلستون نوشته و در آن طراحی شده بود. بعد از دستگیری ساکو و ونزوئلی از اعترافات گفتند که بیانکه زندگی و مهاجر ایتالیانی، فعال چنیش کارگری و آثارشیست در سال ۱۹۲۱ به چیزی اعاده میکنند. ای در سطح جهانی انجام گرفت. عظیم ترین ظاهرهای کارگری و توده ای در دفعه ای دستگیر شدگان و با خواست آزادی آنها در آمریکا و شهرهای بزرگ آریا برگزار شد. سرودها و اشعار زیادی برایشان گفتند. با تمام اینها حکم

دانستان زندگی نمی توانند ادعایی یک در دنیاگردی را داشته باشد. گفتم در میان شود درهم ریخت. در یک روز غم انگیز مادرم بیمار شد. در این مدت آنچه را که او، خانواده ام و من کشیدم، هیچ قلصی نمی توانند توصیف کنند. که اینها او را دچار وحشتمنگری کنندند تشجعها میکردند. نه علم و نه عشق نمی توانستند کمک بکنندند. مادرم بعد از سه ماه بیماری در آغوش پیه مونت" به دنیا آمد. شهر ما که در ساحل سمت راست رود "ماگرا" در سایه یک رشته زیبا از تپه ها روی پایش ایستاده است. سرگذشتی که بیانکه زندگی یک نسل کامل از کارگران مهاجر است.

در ۱۱ ژوئن سال ۱۹۸۸ به عنوان پسر گدیری ایستاده ای داشته باشد. گفتم در میان شود درهم ریخت. در یک روز غم انگیز مادرم بیمار شد. در این مدت آنچه را که او، خانواده ام و من کشیدم، هیچ قلصی نمی توانند توصیف کنند. که اینها او را دچار وحشتمنگری کنندند تشجعها میکردند. نه علم و نه عشق نمی توانستند کمک بکنندند. مادرم بعد از سه ماه بیماری در آغوش پیه مونت" به دنیا آمد. شهر ما که در ساحل سمت راست رود "ماگرا" در سایه یک رشته زیبا از تپه ها روی پایش ایستاده است. سرگذشتی که بیانکه زندگی یک نسل کامل از کارگران مهاجر است.

در این شرایط روحی ناممید گشته ای داشتند که بیانکه زندگی میکردند. نه علم و نه عشق نمی توانستند کمک بکنندند. مادرم بعد از سه ماه بیماری در آغوش پیه مونت" به دنیا آمد. شهر ما که در ساحل سمت راست رود "ماگرا" در سایه یک رشته زیبا از تپه ها روی پایش ایستاده است. سرگذشتی که بیانکه زندگی یک نسل کامل از کارگران مهاجر است.

در این شرایط روحی ناممید گشته ای داشتند که بیانکه زندگی میکردند. نه علم و نه عشق نمی توانستند کمک بکنندند. مادرم بعد از سه ماه بیماری در آغوش پیه مونت" به دنیا آمد. شهر ما که در ساحل سمت راست رود "ماگرا" در سایه یک رشته زیبا از تپه ها روی پایش ایستاده است. سرگذشتی که بیانکه زندگی یک نسل کامل از کارگران مهاجر است.

در این شرایط روحی ناممید گشته ای داشتند که بیانکه زندگی میکردند. نه علم و نه عشق نمی توانستند کمک بکنندند. مادرم بعد از سه ماه بیماری در آغوش پیه مونت" به دنیا آمد. شهر ما که در ساحل سمت راست رود "ماگرا" در سایه یک رشته زیبا از تپه ها روی پایش ایستاده است. سرگذشتی که بیانکه زندگی یک نسل کامل از کارگران مهاجر است.

در این شرایط روحی ناممید گشته ای داشتند که بیانکه زندگی میکردند. نه علم و نه عشق نمی توانستند کمک بکنندند. مادرم بعد از سه ماه بیماری در آغوش پیه مونت" به دنیا آمد. شهر ما که در ساحل سمت راست رود "ماگرا" در سایه یک رشته زیبا از تپه ها روی پایش ایستاده است. سرگذشتی که بیانکه زندگی یک نسل کامل از کارگران مهاجر است.

در این شرایط روحی ناممید گشته ای داشتند که بیانکه زندگی میکردند. نه علم و نه عشق نمی توانستند کمک بکنندند. مادرم بعد از سه ماه بیماری در آغوش پیه مونت" به دنیا آمد. شهر ما که در ساحل سمت راست رود "ماگرا" در سایه یک رشته زیبا از تپه ها روی پایش ایستاده است. سرگذشتی که بیانکه زندگی یک نسل کامل از کارگران مهاجر است.

در این شرایط روحی ناممید گشته ای داشتند که بیانکه زندگی میکردند. نه علم و نه عشق نمی توانستند کمک بکنندند. مادرم بعد از سه ماه بیماری در آغوش پیه مونت" به دنیا آمد. شهر ما که در ساحل سمت راست رود "ماگرا" در سایه یک رشته زیبا از تپه ها روی پایش ایستاده است. سرگذشتی که بیانکه زندگی یک نسل کامل از کارگران مهاجر است.

در این شرایط روحی ناممید گشته ای داشتند که بیانکه زندگی میکردند. نه علم و نه عشق نمی توانستند کمک بکنندند. مادرم بعد از سه ماه بیماری در آغوش پیه مونت" به دنیا آمد. شهر ما که در ساحل سمت راست رود "ماگرا" در سایه یک رشته زیبا از تپه ها روی پایش ایستاده است. سرگذشتی که بیانکه زندگی یک نسل کامل از کارگران مهاجر است.

卷之六

شدن،
کلا در
خریب
نها با
و کلا
زیادی
مسیر
مایه

اصل‌الحاجات عیقق در زندگی اقتصادی،
سیاسی و اجتماعی هستند که باید با
نیروی پیکارچه و متعدد خودشان به
بروزگاری تعیین کنند. کارگران روی چنین
شورایی مشابه طرف عمل مستقیم، قانون
کار کارگری و کل حقوق پایه ای مردم
بود و نیزه ای ازده و نیستی

زحمتکش و فقیر پاپشاری میکند. کارگران روی پلاکفرم سیاسی و عملی سوسیالیست خودشان تاکید دارند و از طریق بر پا کردن جنبش مستقل و سراسری خودشان برای بدست آوردن خواستهایشان کوشش می‌کنند. آن خواستهایی که در اول ماه مه امسال بر فراز اماکن کارگری در کردستان برافراشته شده بود.

ما از طریق کارگر امروز به اسم تمام کارگران عراق و گردستان روی سخنمنان با هم طبقه ایهایسان در اروپا و جهان است و اعلام می کنیم که ما در چجه آنها هستیم نه در چجه میجر و میتران و بوش و کهل و باقی توکران ریز و درشت سرمایه. این چجه بورژوازی کرد است. پارلمان شکل حکومتی ما نیست و ما مقید به تابعیت و قرارهای بعدی آنها نیستیم. بورژوازی کرد پیام آور بودگی ماست و پارلماش هم وسیله ای دیگر برای ادامه بردگی ماست. به همین دلیل کارگران کمونیست مثل تمام نقشه ها و سیاستهای دیگر بورژوازی، رژیم و اپوزیسیون را رد می کنند، آنرا تحریر می کنند و در مقابل فرباد تاراضیتی و پرچم حکومت شورایی و خواسته های فوریش را بلند می کنند. پیام ما کارگران جهان متحده شوید" است. پیام ما اتحاد جهانی است برای رودروریس با سیاست و نقشه های سرمایه داری جهانی علیه کارگران جهان و اهدافشان. بگذارید هم جدا و دست در دست هم با صفت انتربیسیونالیستی خود، ما سرمایه داری جهانی را محاصره کنیم.

در این دوره مبارزه طبقه کارگر حول
مطالباتی صفت بسته که خواستار رفع فشار
بر سطح معيشت و زندگی آنها است و
مهمترین آن افزایش دستمزد است. مطالبات
تعطیلات هفتگی و ماهانه، کم کردن
ساعات کار روزانه و شرایط ایمنی کار تا
مبارزه علیه بیکاری و اخراج کارگران،
مبارزه علیه تورم و گرانی، مبارزه برای
بدست اوردن بیمه بیکاری، مبارزه برای
قانون کار و آزادی تشکل و اعتضاب، این
مطالبات مهمترین خواسته‌های اگسیونیهای
متفاوت کارگران را تشکیل می‌دهند. اما
این مبارزات و مطالبات کارگری تاکنون
بیشتر در چهارچوب صنفی و کارگاهی

محلود بوده است.
در کردستان بعد از رویدادهای ماه مارس
۹۱ و شکل گیری جنبش شورایی تحولاتی
صورت گرفت و مجموعه ای مطالبات و
شعاراتی را دیگال در جنبش کارگری
کردستان مطرح شد. مثل مبارزه برای قانون
کار، حق تشكیل و اعتضاب و شعار
۲۵ ساعت کار در هفته. اما تاکنون این
مطالبات به اندازه کافی توجه ای نشده و تا
سطح کسی توانسته طبقه کارگر کردستان
خود بسیج کند.

محاصره اقتصادي عراق چه تاثيری بر
مبازده کارگران عراق داشته است و
موقعیت کارگران در مقابل آن چیست؟

سیاست خد انسانی محاضره انتصاراتی عراق
از طرف امپریالیستها تاییر مغزی بر
زندگی کارگران و زحمتکشان داشته است.
بدلیل کبود مایحتاج زندگی و افزایش
مرسم آور نرغ اجناس روز بروز زندگی
کارگران مشقت بارتر می شود. تورم نسبت
بازار این اتفاق را تقویت می کند.

چه تعیینی در وضعیت کارگران بوجود آورد، موضع کارگران چگونه بود؟

این جنگ بخش مهمی از سیاست آمریکا برای شکل دادن و سازمان دادن جهان بعد از انعام جنگ سرد ۱۹۴۵-۱۹۴۸ بین رفتن جهان دو قطبی قبیل بود. این محتوای آن جنگ پرورد نه بهانه های آمریکا در مورد دفاع از

خراسنه، جند خليج و تابعیت در مسیر مبارزه و زندگی طبقه کارگر عراق، مایه عقبگردی سیاسی و تاریخی بزرگ بود و تبدیل به سلاح در دست کل پوروزانی برای تخيیل کردن سختترین شرایط به کارگران شد. این تنها به یعنی مبارزه و تقلیل جدی کارگران و جوانان کمونیستی چنین کارگری خشنی و ناکام می شود.

تجذیل به تنها زاندارم جهان بشود و هر کس پایش را دراز کند و یا کچ بگذارد، نظرخان درباره پارلیان کردستان چیست؟

کارگران کردستان و در پیشایش کارگران
کمیتیست سال قبل با صدای رسای فراخوان
خدوشان را دادند و به همه اعلام کردند که
"حکومت کارگری" آلتزناهیر حکومت
آنهاست. شورا و حکومت شورایی مثل
بدان حمله ور گردد.

کمون پاریس، شوراهای روسیه و انقلاب اکتبر الگوی حکومت کارگریست. کارگران کمونیست آشکارا اعلام کرده اند که پاریسان و شکل حکومت پاریسانی یکی از این راه‌های بورژوازی در جهت حفظ همان نظام و نظام و استثمار اقتصادی و برداشتی و زیرداشتی سیاسی است. نمونه ای بسی جان از حکومتهای تاپه، ریگان، بوش، میتران و کهل است علیه کارگران معدن بریتانیا، جنبش ۳۵ ساعت کار و کارگران مهاجر. در سایه همان حکومت پاریسان بود که جنگ و خشیانه خلیج به ما تعییل شد. مثال از کشورهای جهان سوم، مصر است. فقر و نداری و بی حقوقی کارگران مصری در دنیا مشهور است. بنا به قانون پاریسان مصر اگر بیش از ۲ نفر کارگر جهت ابراز خواستهایشان جمع بشوند به چندین سال زندان محکوم می‌گردند. این است محتوای پاریسان. پاریسان بورژوازی کردستان بخش مستقیم از هجوم سرمایه داری جهانی به کارگران و به تمام آرزوها و اهداف برای طلبانه و آزادانه است. پاریسان حلقه ای دیگر از سیاستهای سیاه ناسیونالیست کرد در یکسال گذشته بود برای قالب زدن و آب ریختن روی آتش نفرت و بیزاری طبقاتی کارگران، برای فرار از زیر تیغ نارضایتی و انتقاد کارگران کردستان بورژوازی کرد از در بر گرفته است. بنا به آمار خودشان صدھا هزار نفر بیویه کودک بدليل عدم وجود دارو قربانی شده اند. کارگاد، کارخانه، پیمارستان، خانه، مدرسه، پل، جاده و غیابان، همه جا ثبیل به میدان و بیماران بازیز ترین موشكها و هوایسماهای امریکا و هم پیماناش قبار گرفتند. ترخ تاسیس چناس و خدمات عمومی یکباره ۲۰ را برآورد. اینها همه به جیب سرمایه داران سی روند. کارگر و زحمتکش از فرط فقر و لرنسکی و نبودن نان ششک در خیلی موارد مخلف حیوانات را می خوردند. در شهری مثل بغداد آنکسی که اواده نبود و ماندگارند و بخصوص خانوارهای کارگری به وزی افتاده بودند که آب جوی و رودخانه ای می خوردند، زیرا تمام منابع آب در بیماران هوایسماها خراب شده بودند. اینها مونههای زنده و آشکاری از رسکاری ترب، دمکراسی، لیبرالیسم و حق ملل اش بودند.

و پرسیت نشانسد. روش در همین اثنا
قانون کار شاره ۱۵۰ مصوب سال ۱۹۷۰
را باطل اعلام کرد. دیگر قانون هیچ قانون
کاری برای کارگران در عراق وجود نداشت.
بر اساس این قرار دیگر تمام حق و حقوق
کارگران پایمال شد. همگام با این سیاستها
و بهانه جنگ اضافه کارهای کارگر

پیاست رژیم عراق در دوره های مختلف
ر مقابل طبقه کارگر چگونه بوده است؟

پیاست دولت در هر دوره بنا به شرایطی
بر ق ر داشته است. در اوایل دهه ۷۰ که
ایل دوره رونق اقتصادی بر اثر درآمد
نگفت، نهادهای اقتصادی از این دوره

کشور را نظامی کرد و تحت سرپرستی وزارت خانه مخصوص بنا و وزارت صنایع نظایر داراید. این سیاست رژیم مستقیماً و علاوه اعلام وضعیت نظامی در مراکز کارگری و تولیدی عراق بود. طبق این سیاست هر اطهار ناراضیتی از طرف کارگران جرم محسوب می شد و کارگران هم ملزم بودند مثل سرباز بدون قید و شرط از سیاست نظامی رژیم تعیین کشند. ساعات کار و زمانه در آن مراکز بطور رسمی به ۱۲ ساعت رسید و به شیوه غیر رسمی،

خیلی از این هم بیشتر بود. بدین مبالغه بعضی اوقات اتفاق افتاده که کارگر پشت سر هم ۲۶ ساعت کار کرده است. کارگر مثل برده دوران بزدید داری با چوب و کابل کار کند و در این مقطع سیاست بیکارسانی،

مطالبات مهم طبقه کارگر عراق کدامند
کدام مطالبات بیشتر و کدام نا
مهم دستمزد تا بازنیشته کردن کارگران را
ون پرداخت هیچ حقوق و غرامتی شروع
د و حتی تعداد زیادی از آنها را به
مهه های جنگ گسیل داشت.
این زمان بود که رژیم قرار ضد کارگری
بیبل کارگران به کارمند را تصویب و
خوبی کرد. بدین شیوه تلاش کرد که

گفتگو با احمد معین از فعالین جنبش کارگری و کمونیستی عراق

گرایش کمونیستی جریانی زنده
در جنبش کارگری عراق است

امید معین "نام مستعار" از فعالین
هنپیش کارگری و کمونیستی عراق است.
اکبر کرامتی از همکاران کارگر امروز
در کردستان عراق با روی درباره گرایشات
درویش چنبیش کارگری عراق، تاثیرات
چنگ پر وضع کارگران و باریلان
کردستان گفتگویی داشته است که
بغشایی از آنرا خواهید خواند.

که گرایشاتی در جنبش کارگری عراق وجود دارد و گرایش کمونیستی در چه وضعیتی بصر می برد؟

بر شعار ۲۵ ساعت کار، بیمه پیکاری، هم سرنوشتی و اتحاد سیاسی و طبقاتی و سازمانیابی کارگران کرد و عرب در عراق، برای زن و مرد، آزادی بدون قید و شرط سازمانیابی و اعتساب، جدایی کامل و بالفعل مذهب از دولت و غیره تبدیل به روند زنده سیاسی - مطالباتی موثر در جامعه شده است. تمام این دستاوردها و پیشرویهای زنده تیجه به میدان آمدن گرایش کمونیستی چه در میان کارگران و چه در میان جامعه است. به معنی دیگر جریان کمونیستی و رادیکال جریانی زنده اجتماعی است که بوروزاری هم در تمام اقدامات و سیاستهای حسایی جدی رویش باز کرده است. این بدان معنا نیست که این جنبش بدون عیب و نقص است و ابهام و تاروشی ندارد. بدین معنا است که این جنبش دوره ماقبل تاریخ زندگی خود را از سر گذرانده و این ضعفها، ضعف خوده جنبش است و دانش در حال پرسی است و برای رفع آنها نتشه می ریزد. فکر میکنم که تیجه چند سال آینده این پرسی، شکل گرفتن جنبش کارگری است بناهای جنبش اجتماعی مستقل و قسمتی از ارتش اترناسیونالیست کارگری که صاحب حرف و موضع کارگری در کل جامعه و تغییراتش است.

اجازه بدھید کمی په عقب پرگردیم،

لختگو با ریسوار احمدی از فعالین جنبش کارگری و کمونیستی عراق

علیه تحریمهای اقتصادی عراق و کردستان

اما در مراکز بزرگ صنعتی و کارگری نسبت به بقیه مراکز کوچکتر جنبش کارگری قوی تر است. این مراکز مرکز تقلیل مبارزات کارگری در عراق بوده اند، مثل صنایع نفت، راه آهن و پندر بصره، ریشم بعث بعد از سرکار آمدن با سیاست سکیمگانه ای، نیبور احمدی (نام مستعار) از فعالین نیوش کارگری و کمونیستی عراق است. تبر کرامتی از همکاران کارگر امرداد کردستان عراق با وی درباره اوضاع نیوش کارگری عراق گفتگویی انجام داد است که آنرا خواهید خواند.

شرايط فعل و ضميمت کار و زندگي
طبقه کارگر در عراق چگونه است؟

منع زندگي و کار کارگران در عراق در
شرايط فعل خيل سخت و طاقت فرسا
ت. کارگران از ابتدائي ترين حقوق انساني
ن عصر محرومند و ساعت کار روزانه از
تا ۱۲ ساعت می رسد. کار خيل سخت و
ستمزد خيلي پائين است. ناممني در محيط
ر بعدی است که روزانه بطور عادي جان
رگران در مناطقه است. بعد از بحران
بيج ييکاري در سطح ميليوني است.
حاصره اقتصادي عراق و عدم حق تشکل
اعتصاب برابي کارگران و علاوه بر آن
حاصره اقتصادي گردستان عراق از طرف
يم بقداد فقر و فلاكت طبقه کارگر را
هد بباربر کرده است. در عراق بيچ قانون
جزي وجود ندارد. يا اين همه بس حقوقی،
شکل اعتراض و مبارزه کارگري بخون

در شهر بغداد و مراکز صنعتی آن هم مبارزه مشکل کارگران در همان سندیکاهای بود. حزب شیوعی (حزب کمونیست عراق) پرچم دار این سنت مبارزاتی بوده است و به هر درجه ای که این حزب در میان

چگونه است؟ کارگران نفوذ یافته است، از رادیکالیسم این سنبیکاها هم کاسته شده است.

کارگران ژاپنی دوستان کارگران

آمریکایی هستند یا دشمنانشان؟

مرد می گیرد، ۵۶ سنت دریافت می کند.

استانداردهای اجتماعی

دولت ژاپن نسبت به کشورهای دیگر صنعتی، بخش تجارتی از درآمد ملی را صرف ساختار تامین اجتماعی می کند. دولت ژاپن نسبت به کشورهای دیگر جزء نهفته است. ژاپن یعنی در تعداد زیاد مقاطعه کاران با تعداد کم کارگران در اقتصاد پشت منافع کارگران و مردم در آمریکا، ژاپن یا کشورهای دیگر محافظت می کند؟

مرگ ناگهانی در اثر اضافه کاری کارروشی یک لغت ژاپنی است که اخیرا در روزنامه ها و جرائد انگلیسی و ژاپنی بکار میرود. این لغت ییانگر یک پدیده درنگار در جامعه ژاپن است اما هنوز در لغت نامه های ژاپنی وارد نشده است. "کارروشی" یعنی مرگ ناگهانی در اثر شدت کار و اضافه کاری. کارروشی من تواند در خط تولید و یا در اداره روی دهد. اتوماتیزه شدن کارخانه ها مقابله با اتوماتیزه شدن اداره است بطوریکه همه کارها باید دقیقاً سر وقت انجام شود. اینبافت تایپرایت فشارهای فیزیکی و روانی مدام بر کارگران که حاصل کار شده در ساعت های طولانی است به اختلال در سلامت کارگران و در بعضی موارد به مرگ ناگهانی شان منجر می شود.

بنابراین موسسه "کارروشی شماره ۱۱۰" را بگیر که مشتمل از شهروندان دارطلب است، حدود ۱۵۰۰ مردم کارروشی تنها در ماه زوئن ۱۹۹۰ گزارش شده است. دادگاهها همکاری نمی کنند. تعداد موارد "کارروشی" که از طرف "خانواده" های قربانیان به دادگاهها رجوع داده می شود روز به روز افزایش می باید: اما دادگاهها که نظر کارفرمایها را تقابل اتکا می دانند تنها در ۵ درصد در پرداخت غرامت راچ داده اند شاکی ها اغلب در دادگاه می بازند زیرا اثبات علت مشخص مرگ دشوار است.

اگر کارفرمایی متمم منکر این هستند که کارروشی تبیه اینبافت نشار کار بر قربانیان است و بعلت کار فوق شدید و در ساعت های طولانی بیوقوع می بینند. بعلاوه دنارت کار از بازرسانه مقطعه ای استانداره کار خواسته است تا موارد "کارروشی" را بعنوان مرگ بعلت کار بررسی نشاند تا شاملیت تا شاملیت به غرامت کار کارگران نشود.

به گزارش یکی از همه پرسی های وزارت کار در توامیز سال ۱۹۸۷، در ژاپن متوسط کار در ۲۲/۹ درصد نگران هستند زیرا علاوه در خود منبع شود. ۶۷/۳ درصد ابراز خستگی فیزیکی کردند و ۷۲/۷ درصد از شارهای روانی رفع می بینند. یک کارگر در خط تولید تویوتا باید در کتر از ۱۸ ثانیه ۲۰ حرکت انجام دهد. یعنی ۲۶۰ حرکت در یک روز کار. این فضای غیر انسانی کار از خطوط تولید به ادارات و اماکن کار نیز کشیده شده است. چنانچه این نوع مبربت الکترونیکی مخصوص سراسر دنیا شود دیگر "کارروشی" یک بیماری مختص به ژاپن باقی نخواهد ماند.

کار، کار باز هم کار

کشورهایی که با موجی از کالاهای ژاپنی در بازارشان روبرو هستند مدواها علت اولیه ناموقوفیت تجارتی خودشان را ساعت کار طولانی ژاپن می دانند. این یک واقعیت است که ژاپن یکی از بیشترین ساعت کار را دارد اما آمار تنها بخش از داستان را توضیع می دهد. ساعت کار متوسط یک کارگر با حقوق متوسط چنین است:

او ساعت ۵/۳۰ دقیقه صبح از خواب بیدار می شود، ۷/۳۰ دقیقه وقتیکه بجه ها هنوز خواب هستند از خانه بیرون می رود. برای یک کارگری که در اطراف توکیو زندگی می کند یک ساعت و ۲۰ دقیقه صرف رفتن به کارخانه می شود.

اقتصاد دوگانه

راز توانانی تویوتا برای تولید در حجم زیاد با تعداد کم کارگران در اقتصاد پشت دوگانه یعنی در تعداد زیاد مقاطعه کاران جزء نهفته است. ژاپن یعنی در تعداد زیاد مقاطعه کاران چشمی نهفته است. ژاپن کمی بیش از ۱۰ درصد از نیروی کار کمیم. اگر فرض کنیم یک سیستم کامل تجارت آزاد "منصفانه" است آنوقت یکنفر می تواند بگوید که هیچ کشوری "منصف" نیست. نه آمریکا و نه ژاپن هیچکدام نیست. بعضی موارد کارگران من تن و نیمه وقت، و زمان مهاجر نیروی کار دور ای موسسات کوچک را تشکیل می دهند و در اشکال مختلف تحت سمت هستند. بعلاوه در سیاست تجارت آزاد ناب دارند. ما باید بینیم که چرا کشورها قوانین محافظتی معنی دارند. سوال اساسی اینست که آیا یک تجارت منصفانه باید با تجارت آزاد یکی گرفته شود؟ در کل تجارت آزاد به نفع کشور قویتر عمل می کند. من فکر من کنم منصفانه بودن حداقل یک نگرش عینی نامصفانه میان کشور شورمند و فقیر غله کند. مستله تجارت بخشی از باشد. اما برعکس دامنه افزایش دستمزد کاملاً محدود مانده است. از سال ۱۹۷۵ تاکنون یعنی زمانیکه کارگران موسسات بزرگ به ۱۳/۱ درصد افزایش متوجه دستمزد دست یافتنند بریزی در این زمینه سیر تزویی جلد شود. من در این چهارچوب منصفانه بودن را یک سیستم اقتصادی تعریف می کنم که از حقوق تمام کارگران و مردم محافظت کند.

دستمزد

انتظار میرود که افزایش دستمزد در ژاپن در طی ۴۰ سال گذشته که این کشور به یک قدر اقتصادی بیشتر شد بشدت بالا باشد. اما برعکس دامنه افزایش دستمزد کاملاً محدود مانده است. از سال ۱۹۷۵ تاکنون یعنی زمانیکه کارگران موسسات بزرگ به ۱۳/۱ درصد افزایش متوجه دستمزد دست یافتنند بریزی در این زمینه سیر تزویی جلد شود. من در این چهارچوب منصفانه بودن را یک سیستم اقتصادی تعریف می کنم که از حقوق تمام کارگران و مردم محافظت کند. از بین ببرد. در ژاپن، مدیریت طی سالها تلاش کرده است که پایه عینی برای رفاقت با کارگران است و مثل هر نوع رقابت دیگر باید در تازه ای را طلب می کند که بر رویش عینی نامصفانه میان کشور شورمند و فقیر غله کند. مستله تجارت بخشی از باشد. یک مشکل اساسی در جهان است که باید تا زمان جدید حل شود. من در این تازه ای را طلب می کنم که از حقوق تمام کارگران و مردم محافظت کند.

کارگران در اقتصاد ژاپن درجه دو هستند

باید پرسید که با توجه به این اقتصاد سالم چگا میرود؟

واقعیت اینست که اتحادیه ها در کسب افزایش دستمزد برای اعضاش موفق نبوده اند. زیرا برای اینها سود کیانی ها نسبت به میزبانی که افزایش دستمزد را اولویت قرار دارد. وضعيت اعضاشان در اولویت قرار دارد. وضعيت کارگران در شرکت های کوچک حتی از این هم بدتر است. آمار وزارت کار در سال ۱۹۸۳ نشان می دهد که کارگران کارگاههای کوچک تها ۵۷ درصد دستمزد کارگران کیانی های بزرگ را دریافت می کنند و این اختلاف دستمزد از سال ۱۹۷۸ - ۱۹۷۸ - ۱۹۸۳ کمتر از ۵ درصد بود.

ساعت کار

کسانیکه بدن انتقاد به موقعیت اقتصادی پول ها کجا میرود؟

مفترض ژاپن اینست که اتحادیه ها در کسب سازایی این موقعیت را پنهان می کنند بلکه اساساً طبیعت اقتصادی ژاپن را در نسی کنند. عبارتی که امروز مذاقبی می شوند مورد اقتصاد ژاپن شنیده. من شود اینست که اقتصاد ژاپن قدرتمند است اما مردم آن فقیرند. مستله سادگی توزیع ناعادلانه شرط نیست بلکه حد بالای بارداری در ژاپن مستقیماً به فروشی کارگران مربوط است و این فروشی در سیستم میزبانی کیانی ها است. اشکال زیر ساخته شده است:

تولید منعطف و قابل اتکا

کارگرها در کانادا و آمریکا تصمیم دارند که متند تولید ژاپن را اتخاذ کنند. کار در مثل ساعت، تویوتا پیم، مدیریت با تمام قوا، وغیره. آنها اغلب از کار هوشمندانه تر و نه سخت تر" و یا ایجاد انگیزه های کار گزوهی تیمی صحبت می کنند. اما مورد اقتصاد ژاپن شنیده. من شود اینست که از کارگران از لحظه کارگران عمل می کند. کارگران از این نگاه میکنند که این اتفاق بیقدیمی است. در شما می گویند اگر "ما" این را کسب نکنیم رقباً شکست مان می دهند.

کارگران از گذشتگی داطلبانه" انجام می دهند.

کیانی به کارگرانیکه قصد دارند دست از کار بکشند انگیزه می دهد، سپس با اتحادیه مذاکره می کنند و وظایف کیانی را گوشزد می کند و اتحادیه اساساً با آن موافق است.

سوال بعدی اینست که چه کسی باید اخراج شود. معمولاً کارگران مسن تر که بدلیل سابقه اند و یا کارگران سازی دارند. البته در کار حقق پیشرفتی دارند. البته به همین دلیل این کارگران نیز خواهند بگفت. اینها باید برای نشان دادن و ففاداری شان به کیانی شدیداً کار را با رقابت میان کارگران عمل می کنند.

زمانیکه هدف برای رقابت توسعه مدیریت گذشتگی داشتند خودشان را از این نگاه می داشتند. در گذشتگی دستمزد را باید پیشرفت بخواهند. اینها باید برای نشان دادن و فداداری شان نیز بازندگی می کنند.

کیانی به کارگران پر کاری مستقیم، تو ۲۰ و یا ۳۰ سال کار کردی، باید خسته باش، خوب حال نو ات چطور است؟ نیز خواهند گفت شان نیست. آنها مجبور به آن شده اند. اما این اتفاقی شدیداً کار مهریانی با آنها صحبت می کند و می قوانین آن زندگی می کند.

من به کارگران ژاپنی اینست که کارگران میکنند و فکر می کنند زیرا کار بشدت سنگین است. (دستمزدها برای بعضی از کارگران در داخل کیانی در مقابل هم قرار میگردند) اینها باید برای نشان دادن و فداداری شان نیز بازندگی می کنند.

این سیستم دوگانه فکر می کنند زیرا کار گذشتگی داشتند. در غیر اینصورت بازندگی می کنند. این فکر میگیرد از کارگران شان نیز بازندگی می کنند.

کیانی به کارگران پر کاری مستقیم، تو ۲۰ و یا ۳۰ سال کار کردی، باید خسته باش، خوب حال نو ات چطور است؟ نیز خواهند گفت شان را با او بگذرانی؟

این اتفاقی شروع میشود و بعد تا حد تهدید و ارتعاب هم پیش میروند تا زمانیکه کارگر دریگری ندارد.

کیانی به کارگران را ول کنند!

آیا کارگران ژاپن خواهند روابط کاری گزوهنی هستند؟

اینطور چه اتفاذه است که ژاپنی ها را یک فرهنگی می دانند. این حقیقت ندارد. تاریخ نشان داده است که گروه گرانی ژاپنی ها بدلیل چنگ، جنبش کارگران بطور واقعی مدیران را مستحصل اند. تعداد زیادی از کارگران دیگر منتقل شدند.

آنها فروشنده های دوره گرد هستند و یا در رستوران کار می کنند. البته این آزادی را دارند که کارگران را ول کنند!

آیا کارگران ژاپن خواهند روابط کاری گزوهنی هستند؟

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ در این میزبانی نیز شدند.

کارگران تویوتا بروکار گرانی های بزرگ

جنبش کارگری آمریکای شمالی در کجا ایستاده است؟

کارگری چیست و چنین کارگری برای
گسترش و تقویت همبستگی جهانی
کارگری چه میتواند انجام دهد؟

همبستگی کارگری امر مهمی است اما نقطه شروع باید تقویت جنش کارگری کشور خود باشد. بدون این همبستگی بین المللی امکان نایاب است، باید در کشور خود اتحادیه و انتلال ایجاد کرد و سپس به سراغ همبستگی بین الملل رفت. اشکال مختلفی از همبستگی بین الملل وجود دارد. بطور مثال ما با کارگران انوموبیل سازی آفریقای جنوبی و بربلی در تماس هستیم. به کارگران این کشورها درباره مسایل ایمنی محیط کار اطلاعات میدهیم زیرا در این زمینه دستاردهای بیشتری داریم. در برخی موارد دخالت بیشتری میکنیم. مثلا هنگامی که شرکت "مسیو فرگسون" کارگران اسپانیا را دستگیر کرد ما حواسیم در کانادا شرکت را تحت فشار قرار دهیم. اخیرا کنفرانسی با کارگران شرکت تلفن ترکیه، مالزی، آمریکا، ایرلند و کانادا داشتیم. موضوع بحث سازماندهی کارگران بود. کارگران کانادا متشکلند ولی در امریکا از هر ۲۰ هزار کارگر فقط ۵۰۰ نفر مشکل هستند به تقاضای کارگران روسی در ماه مه کنفرانسی در کانادا برگزار شدند. از ما خواستند درباره تشکل و مذکرات پرایشان صحبت کنیم. تعدادی از فعالین اتحادیه را به پلخارستان فرستادیم که با اتحادیه های آنجا آشنا شوند بطور مثال چندی پیش تعدادی از کارگران آفریقای جنوبی به کانادا آمدند و رهبری اتحادیه را ملاقات کردند. تازه مطلع شدیم که یکی از آنها دستگیر شده است. اگر ما بلافضله مستله را دنبال کنیم آنوقت جان وی را نجات داده ایم. "جین نادو" یکی از کارگران آفریقای جنوبی که چهار سال پیش در مجتمع عمومی کنگره کار کانادا شرکت کرد و سپتمبر امسال هم اینجا بود دستگیر و زندانی شده است. هم اکنون مشغول فعالیت برای آزادی او هستیم. این نوع همبستگی بین اتحادیه ها خوبی مهمن است. چنه دیگر همبستگی کارگری در سطح کنگره کار کانادا و مراکز اتحادیه های دیگر است.

ممكن است کنم بیشتر در مورد نکته آخر بگویید؟ همانطور که من دانید اتحادیه های مختلف گرایش های گوناگون دارند. چگونه من توان بین اتحادیه های مختلف همبستگی ایجاد کنم؟

چندی پیش در کاستاریکا و در جلسه ارگان های مرکزی اتحادیه های کشورهای آمریکای لاتین (مکزیک، کانادا، کاستاریکا، آژانسین، پرو، کلمبیا اورگون) شرکت داشتم. موضوع بحث سیاست واحد جنبش کارگری این کشورها درباره تجارت آزاد بود. مشکل در این سطح همانطور که شما گفتید گرایشات مختلف بین این اتحادیه و همچنین بین اتحادیه های مختلف درون هر کشور است. تاریخاً مرکزیت اتحادیه ها دو جناح چپ و راست داشتند تعداد زیادی از اتحادیه های حاضر در کنفرانس موافق تجارت آزاد بودند زیرا برای آنها به معنی امکان دسترسی بیشتر به آمریکا بود. ما توضیح دادیم که مسئله نه بر سر تجارت بلکه بر سر سرمایه است. موضوع دیگر حقوق اتحادیه ای بود. بحث ما این بود که باید اعتناد زیادی به ارگان های بین الملل داشت. این ارگان ها می توانند از نظر قانونی این حقوق را به تصویب بررسانند ولی وظیفه ما است که برای تحقق آن در سطح محلی میازده کنیم. در نوع میازده در پیش داریم، یکی تقویت کنگره کار کاناداست. ما خواهان حمایت از اتحادیه های آفریقایی جنوبی بودیم ولی کنگره کار کانادا مخالف بود زیرا اتحادیه های آفریقای جنوبی را سیاسی ارزیابی میکرد. ما برای این خواسته مجبور شدیم که با کنگره کار کانادا میازده کنیم. دیگری میازده برای تقویت جنبش کارگری در سطح کشوری است. زیرا تنها در اینصورت میتوان

در مقاله ای بنام "مبستگی - بله، رقابت - نه" به مبحث الترناکیوها پرداخته اید. مطرح کرده اید که بقیه در صفحه ۱۲

سرمایه داران وجود داشته باشد، وضع ما هم بهتر شود. خط دیگری هم وجود دارد که این استدلال ها را بسیار خام اندیشانه میداند، زیرا توجه سرمایه داران را تنها وقتی میشود جلب کرد که مستقلان در موضوع قدرت قرار داشته باشیم. بعنوان نمونه اگر کسی مقوله جلب کرد که مستقلان در آنصورت کارگران را برای شرکت در این رقابت باید ترغیب کند. حال آنکه مسئله ما حیاتی از کارگران است. بنابراین می بینید صرف قبول مقوله رقابت انسان را در یک موضع ایدنولوژیک ضعیف قرار میدهد زیرا ما را وارد زمین بازی مدیریت می کند و مستقله به نفع آن تمام خواهد شد. اما اگر انسان رقابت را بعنوان یک هدف غائی رد کند و به جای آن خواهان توسعه ظرفیت تولیدی کشور باشد، ضمن آنکه وجود یک پایه صنعتی قوی را برسیت شاخته است - به این دلیل که امکان انعطاف پذیری بیشتری در زمینه آنچه تولید میشود و نحوه رفع نیازهای این را فراهم می کند - از یک نقطه شروع و موضع مستقل حرکت کرده است. بر اساس آن میشود یک چهارچوب ایدنولوژیک بنا کرد. بعنوان مثال میشود گفت که در عین آنکه ما توسعه ظرفیت تولیدی مان را میخواهیم ولی نحوه دمکراتیک این ظرفیتها مد نظر ماست.

بنظر شما سازمان جهانی کار چه نقشی دو سطح جهانی در چنین کارگری اینه می کند و چگونه میتوان این نقش را عوض کرده؟

اجازه بدھید بدوا یک نکته را در مورد نهادهای بین المللی بطور کلی مطرح کنم. این نهادها بیانگر توازن نیروهای اجتماعی در سطح محلی هستند. بنابراین اگر ما در سطح محلی به اندازه کافی قدرتمند نباشیم، نظیر وضیعت فعلی اتحادیه های آمریکا، تقاضای کمک از سازمان جهانی کار برای آنکه مستقله ای را برای ما حل کند مسخره است. اگر ما در سطح محلی آنقدر قوی نباشیم که بتوانیم از درجه ای قدرت سیاسی برخود را باشیم، نهادهای بین المللی هم کارشان دقایق از وضع موجود خواهد بود.

یشترین چیزی که از این نهادهای بین المللی، منجمله سازمان جهانی کار، میتوان توقع داشت این است که حداقل روزی کاغذ یکشته حقوق و مقررات معین که باید توسط کشورها رعایت شود را تعیین کند تا ما بتوانیم از آن برای تعت درخواست فشار قرار دادن دولتها استفاده کنیم ما این کار را در کانادا کردیم. ما نشان دادیم کانادا که خودش را کشور دمکراتیک میداند و به آن هم خیلی می بالد، در عین حال کشوری است که استانداردهای سازمان جهانی کار، بسویه در زمینه حق اعتصاب و آزادی اعتصاب کردن، را تقض کرده است. بنابراین ما میتوانیم از سازمان جهانی کار برای مشروعیت دادن به مطالباتان استفاده کنیم. البته این نقش کاملاً محدودی است که این نهاد برای ما میتواند داشته باشد. کماکان معتقدنم که مبارزه اساساً یک امر ملی است و همیستگی بین المللی از طریق سازمان جهانی کار قابل تحقق نیست.

سازمان جهانی کار برای تشییع استانداردهای حداقل تلاش می کند. این اقدام مشتبثی است. ولی سازمان جهانی کار ابزاری برای رعایت این مقررات ندارد. این اواین مشکل است. وقتی سراغ مکانیسم های اعمال چیزی میرود، مستله قدرت خودش را مطرح می کند، و این نکته برجسته می

سرمایه هستند. یک نکته مهم دیگر مستنه حقوق حداقل است. ما ملت ایران که برای خانه اندخواهی، این مستنه سازی، من کننه که نهادها در مورد استقلال اینتلولوژیک صحبت کردید، ممکن است در مورد مضمون آن نهادها در مورد صحبت کنید؟

استش این موضوع بحایت سختی است،
یرا خود این مستله تازه باید روشن شود.
گر مباحثاتی که اینروزها در کانادا چریان
وارد را دنبال کرده باشید، متوجه می شوید
که گرایشات زیادی در احزاب سوسیال
مکراتیک، از جمله در فدراسیون کارگری
وتراپیو، در صدد یافتن راه حلها برای
مسکاری با سرمایه داران هستند. بنظر آنان
کار چندانی در باره تجارت آزاد
میتوانیم بکنیم، در زمینه جهانی شدن آنهم
ز دست ما کاری ساخته نیست، تنها امید
ما این باید باشد که سرمایه داران را قانع
نمیکنیم که ما را یعنوان شریکشان قبول کنند.
گران آن: شانه ای و دسته ای و دسته ای

فعالیت درون اتحادیه را داده است. چنین
چیزی در اتحادیه های دیگر اتفاق نیافتد
است.

برای شکست انتصاب کارگران پست از لایحه بازگشت به کار استفاده شد. هر کارگران براساس این لایحه عمل کردند؟ بنظر شما عکس العمل کارگران نسبت به این لایحه در آیینه چه خواهد بود؟

جنش کارگری کانادا ظاهرا نسبت به جنبش کارگری آمریکا یا کشورهای دیگر سالم بمنظور میرسد. ولی در حقیقت چه از نظر درجه تشکل فعلی آن و چه از نظر قدرت بسیج برای انتصاب ضعیف است. ضعف هر دو انتصاب در این بود که کارگران دست به انتصاب سیاسی زدند که درجه موقفیت آن به حمایت کل کارگران بستگی دارد و هیچ اتحادیه ای به تنها نی تواند در آن پیروز شود. این انتصاب درباره قرارداد دستمزدها نبود. این انتصاب سیاسی به یک جنبش قوی سیاسی احتیاج دارد که دولت را به زیر شوال ببرد. جنبش ما در کانادا در چنین مرقعیتی قرار ندارد.

از ادامه کلمگان خمامات عربه که در

اعتدادیه را برخوان ساخت خوشی نه دوینی
اتحادیه بزرگ کانادا است، اتحادیه ضعیفی
بود ولی در این اعتصاب موفق شد
دستارهایی بست بیاورد. به همین دلیل
نکر میکنم اتحادیه دفعه بعد با اعتناد
بنفس بیشتری وارد صحنه مبارزه شود. ما
میریوم که سیاسی تر و فعالتر علیه دولت
مبارزه کنیم و دولت را حتی از طریق
سیستم انتخاباتی شکست دهیم. نکته دیگر
اینکه اتحادیه کارگران پست با اینکه حمایت
سایر اتحادیه ها را داشت توانست موفق
شود. این ضعف جنبش و در حاشیه بودن
آنها را نشان میدهد. مسئله فقط اتحادیه
کارگران پست نیست. شرایط کوتني انعکاس
و وضعیت جنبش کارگری بطور کلی است.

درصد تشكل کارگران کانادا در اتحادیه ها بیش از آمریکا است. در وهله اول چنین وضعیت نظره قوت کارگران کانادا است. ارزیابی شما از نتایج ضعف و قدرت جنبش اتحادیهای کانادا چیست؟

یک نکته را هنگام مقایسه ما با جنبش کارگری آمریکا باید به خاطر داشت، طرف مقایسه ما یکی از ضعیف ترین جنبش‌های کارگری در کشورهای پیشرفته است. اینکه ما در مقایسه با آنها از سطح شکل بالاتری برخورداریم چیز چندانی را نشان نمیدهد. اولاً ما هنوز فقط ۳۷ درصد از کارگران را مشغول کرده ایم، در بخش خدمات تشكل نداریم و در بخش‌های زیادی هم که به سرعت در حال رشدند مشغول نیستیم. بنابراین ما با این ضعف که چه کسی را نایاندگی می‌کنیم مواجه ایم. ما همه کارگران را نایاندگی نمی‌کنیم. این اساسی ترین مستله است. تا آنجا که به نقاط ضعف عمومی ما برمیگردد، جنبش کارگری کانادا هنوز به معنای اینتلولریک از استقلال برخودار نیست. فکر میکنم این چنینی ای است که ما با جنبش کارگری در بیماری از کشورهای پیشرفته در آن شریک هستیم. بنظر من این یک ضعف عمومی است. بعلاوه تحرك سرمایه و ضعف چپ و جنبش کارگری فاقی آمدن ما بر کمبودها را دشوارتر می‌کند. تنها راه قوتیر شدن ما در گرو یافتن راههایی برای محدود کردن سرمایه است. بنابراین لازم است که ما از نظر سیاست نه فقط در محیط کار بلکه در سطح عمومی تری قوی پاشیم.

شما در مورد استقلال ایندولولوژیک صحبت کردید، ممکن است در مورد مضمون آن هم صحبت کنید؟

راستش این موضوع بغاایت سختی است. زیرا خود این مسئله تازه باید روشن شود. اگر مباحثاتی که اینروزها در کنادا جریان دارد را دنبال کرده باشید، متوجه می شوید که گرایشات زیادی در احزاب سوسیال دمکراتیک، از جمله در فدراسیون کارگری اوستاریو، در صدد یافتن راه حل‌هایی برای حکمرانی با سرمایه داران هستند. بنظر آنان مسا کار چندانی در باره تجارت از ازاد نیتوژنیسم یکنیم، در زمینه جهانی شدن آنهم از دست ما کاری ساخته نیست، تنها امید ما این باید باشد که سرمایه داران را قاعی کنیم که ما را بعنوان شریکشان قبول کنند.

د. گران: آنچه ایشان اگر واقع شود، از این

کارگری امریکا، اعتصاب مال گذشته
کارگران پست و خدمات عمومی، تغییر
قانون کارگانادا، همیستگی کارگری و
کارگران مهاجر کنکوئی مفصل انجام
داده است که بخشایی از آنرا خواهید
خواهند.

سام گیننین دستیار باب وايت رهبر
اتحادیه کارگران اتومبیل سازی کانادا
است و از وی پعنوان نظریه پرداز و
اینستولوگ این اتحادیه یاد میشود. محسن
ابراهیمی از همکاران کارگر امروز در
کانادا با سام گیننین درباره چنینی

جنیش کارگری امریکای شمال، و ضعیت
عمومن آن و گرایشات درونی آنرا چگونه
می بینید؟ نظرخان دریار، ایجاد جنیش
توده های کارگر (زنگ اند فایل) چیست؟

بخشی از مشکل جنبش کارگری آمریکا
نابودی کامل سنت چپ در این کشور است.

عضاصر سارمانده و سوسياليست وجود ندارد
و تشکيل يك سازمان آلترباتانيو با تعداد
محدودي کادر کار مشکل است. خيلي ها
مخالف هستند، کنفرانس اتفاق نداشت.

سیستم را بورکراتیک ارزیابی می کنند ولی بسیج برای تغییر اوضاع نیز برایشان سخت است. اوضاع کنونی، با وضعیت سال ها،

۳۰ فرق میکند. در سال های ۳۰ ما شاهد فعالیت جریان چپ قوی یعنی حزب کمونیست بودیم. در آن سال ها کارگران به

تشکلی جز اتحادیه نمی بیوستند. تشکلی که توسط مردم اداره می شد و هدفش ایجاد یک وضعیت بهتر بود.

نکته دیگر اینکه علیرغم شورش کارگران
علیه رهبری تضاد اصلی در گرایشات
مختلف بین اتحادیه ها نهفته است. بطور

مثال بعضی اتحادیه ها مدافعان حریت سه کانه هستند و برخی دیگر مدافعان بی طرفی اتحادیه اند. این موضوع اختلافات در

اعتدادیه است. البته این اختلافات همیشه بین توده های کارگر و رهبری نیست. پر عکس عینتا بین اتحادیه ها است. حل انتخابات لازمه است.

این اختلافات با ذخره به درجه رشد جنبش توده های کارگر بستگی دارد. البته امید چندانی به رشد جنبش قوی توده های کارگر نداشتم و فکر می کنم فعالیت کارگر

(کادرها) نقش موثرتری بازی می کنند. به عبارت دیگر کادرهای سوسیالیست اتحادیه ها در آمریکا و کانادا هستند که خود را

سال گذشته شاهد اعتراض کارگران پست
و کارگران خدمات عمومی بودیم. از تبادل

شما از این اعتراضات چیست؟

هر دو اعتضاب در اثر فشارهای سرمایه به کارگران و فشار به امکاناتی که کارگران او را آن پرخوردار بودند، صورت گرفت. دولت هزینه بخش هایی که سودآور نیستند را کاهش میدهد. در این رابطه قیلاً کارگران پست قرنیانی میشنند ولی اینقدر نوبت اتحادیه خدمات عمومی بود. زیرا عنوان یک اتحادیه ضعیف شناخته شده اند و تحمل دستمزد کتر نه تنها سطح معیشت آنها بلکه سطح معیشت کارگران بخش خصوصی را نیز کاهش میدارد. دولت گمان میکرد که بدین شکل میتواند کارگران بخش خدمات را ایزوله کند ولی شکست خورد. این یک اعتضاب سیاسی بود و نه اعتضاب بر سر امضا قرارداد دستجمعی. اگر این اتحادیه به همت رهبری و کادرهایش در این مبارزه شرکت نمیکرد شناسی برای پیروزی هم نداشت. جنبش کارگری کانادا برای یک مبارزه سیاسی علیه دولت آماده نبود و اعتضاب بخش خدمات هم نمیتوانست بدون پشتیبانی این جنبش پیروز شود. ول اتحادیه خدمات عمومی بهرو در مبارزه شرکت کرد زیرا در غیر اینصورت ضرورت وجودی خود اتحادیه زیر سوال میرفت. کارگران در این مبارزه دشمن واقعی خود را یافتند. دشمن نه اتحادیه بلکه دولت و کارفرمایها بودند. در حقیقت این مبارزه شروع ایجاد اتحادیه بخش خدمات بود کارگران زیادی برای اولین بار در صفحه اول روزنامه اخبار این اعتضاب را معرفی کردند.

دانستان زندگی من

درباره ماجراه ساکو و نزتی

بقیه از صفحه

و چرا شاهدهای من، مردم ساده ای که می خواستند تنها حقیقت ساده ای را بیان کنند، مورد تعقیر و تمسخر قرار گرفتند؟ حرنهایشان باور نشد زیرا آنها هم فقط خارجی بودند. شهادت آدم قابل باور است که خارجی؟ هاماً اعدام با قدمهای بزرگ نزدیک می شود. این اعتقاد من است که تاریخ پسر هنوز شروع نشده است. ما در اولین مرحله تاریخ جهان قرار داریم. من تا آخرین لحظه آثارشیست باقی خواهم ماند، زیرا معتمد که انسان تنها در آزادی بزرگ و اصیل می شود.

آمریکای لاتین که سرمایه بر آن حاکم است، نگاه می کنند و می بینند که سطح معيشت مردم آن از سال های ۶۰ بدر شده است، به ایالات متعدد آمریکا یعنی پرقدرت ترین اقتصاد دنیا نگاه می کنند و می بینند که شهرهایش قابل سکونت نیستند، بیکاری پیداد می کند، نیمه پیشتر از جمعیت سیاهپوست آن بیکار هستند، هیچ راه حلی برای این مشکلات وجود ندارد، زیرا ساخت مملکت در حال نابودی است. مردم امنیت ندارند. بنابراین سرمایه داری نوع بازار هم راه حل ندارد. الترناپیو دیگر باید پیدا کرد. ادعا سقوط بلوك شرق یعنی ممانع امکان تأثیرپذیری سوسیالیسم را می توان از جنبه های مختلف به مبارزه طلبید. این واقعه نشان می دهد که این نوع سوسیالیسم یعنی سوسیالیسم استالینیستی عملی نیست. ولی در عین حال کسی توانسته قابت کند که سرمایه داری راه حل پیدا کرد. بنظر من این نوع مباحثت به سرعت در بلوك شرق رواج پیدا خواهد کرد زیرا سریعاً و مستقیماً شاهد تاثیر بازار خواهد بود. کارگران متوجه خواهند شد که بازار به آنها امنیت، سطح عیشیت بهتر و دموکراسی نمی دهد. پرسشه رشد سرمایه داری با مقاومت کارگران مواجه خواهد شد و بدنبال آن حقوق کارگران مورد حمله قرار خواهد گرفت. عملاً حتی حقوق اتحادیه ای و سیاسی ای که کارگران تاکنین از آن برخودار بودند از این خواهد رفت. مردم سریعاً متوجه خواهند شد که سرمایه داری و آزادی ربطی بهم ندارند. با در نظر گرفتن جواب مختلف نکر می کنم موج مقاومت در کشورهای بلوك شرق افزایش خواهد یافت ولی بحران اقتصادی بورژوا در اینجا از ارائه یک راه حل به مردم خواهد داد. اتفاقاً ۱۹۱۷ شوروی واقعه تاریخی بزرگی بود که سیستم سرمایه داری را زیر سوال برد. به گمان من واقعه تاریخی بزرگ بعدی در غرب، از ما و نه آنها، خواهد بود. شاید این بار ما رهبری کنیم و آنها بدنبال ما بیایند.

این به نظر هم سیستم اقتصادی حاکم بود شدید سوسیالیسم بود؟

این قابل بحث است. قبل از اینکه خط بطلان بر هر واقعه ای که در شوروی اتفاق افتاده است، پیشیم باید به اندامات تبعین آمیزی که در شوروی رخ داد، اشاره کنیم. انداماتی مانند توانایی مادی چنگ علیه نازی ها، برنامه های اجتماعی و حق و حقوق مردم. ولی بحث من اینست که سوسیالیسم همانطور که مارکس آنرا فهمید و همانطور که من میفهمم، با دموکراسی رابطه تنگاتنگ دارد. دلیل اینکه سوسیالیستها خواهان از بین بردن سرمایه داری هستند، اینست که دموکراسی را بسط دهند. اشکال شوروی این بود که یک نوع معین سوسیالیسم داشت و دموکراسی را بسط نداد. برعی اصول مانند اشتغال کامل به اجرا درآمد ولی به طبقه کارگر قدرت و امکان رشد توانایی شان برای کنترل اقتصاد داده نشد. از این نظر سوسیالیسم آنها کاملاً محدود و بسته بود. این درست است که می توانیم بگیرم. اندامات من از شوروی عدم وجود دموکراسی است. سوسیالیسم که من در نظر دارم سیاستی است که دموکراسی در آن بسط من یابد و سیستم سرمایه داری باید از بین برود زیرا برای سرمایه داری محدودیت ایجاد می کند.

چنایتی در "بیچاره واتر" شدم و بعد از یازده روز در یک محکمه رسوا به پائزده سال زندان محکوم شدم. قاضی ویستر تایر، مردی که بعدها محکمه مربوط به قتل را هم انجام داد، حکم را صادر کرد. هنگامیکه حکم را قراحت می کرد که مدتین شان از انسانیت در صدای او نبود. نیز توافت بفهم که چرا او از من متفرق است. مگر نه اینکه یک قاضی باید بیطرف باشد؟ اما حالا من دام که موضوع چه بود. من باید برای او در هیبت یک حیوان استثنای ظاهر شده باشم، یک کارگر ساده، این یک خارجی و علاوه بر اینها یک آثارشیست.

که شرایط فعلی بهترین موقع برای مطالبه کاهش ساعت کار است. چرا شما این نظر را دارید؟

چندین دلیل وجود دارد. بخصوص از نظر تاکتیکی. کاهش ساعت کار باعث می شود که کار به تساوی تقسیم شود، زیرا تعداد زیادی بیکارند و از طرف دیگر تعداد زیادی اضافه کاری می کنند. بعلاوه باید محدودیت معیط زیست را درنظر گرفت.

اگر همه بیکاران (با نزف فعل ساعت کار) بکار مشغول شوند معیط زیست طرفیت جذب تنازع آن یعنی رشد سریع صفت را ندارد. در تیجه کاهش ساعت کار در عین حال که به رشد کمک می کند، سرعت این محدودیت می کند. نکته دوم اینست که کاهش ساعت کار ایزدیاری برای رشد میستگی

اوتوتاریو که توسط فدراسیون کار این ایالت پیشنهاد شده است چیست؟

یعنی شنبه های شغل کارگران را کاهش می کند و مطالعه طبقاطی است. می توان کارگران را مطالعه داد که دستورات را اجرا کنند و یا میتوان کارگران را آموزش داد که رئیس کارخانه را مورد سوال قرار دهند؟ آموزش برای یک عدد محدود و از قبل تعیین شده یا آموزش مده کارگران؟ تعلیم کارگران به تواند اگر نه امزور دل روزی دنیا را تغییر دهد، کم می کند. بین ترتیب کارگران مجبور نخواهد بود که سرمایه داری را چون تنها سیستم موجود است، قبول کنند. بنابراین مسئله بسیج کارگران ریط مستقیم به چگونگی تغییر اقتصاد دارد.

مسئله انتراپیو چگونه به همیستگی بین المللی کارگران ریط پیدا می کند؟

از دو جنبه، اولاً اگر کارگران انتراپیو

نداشته باشند تنها راهی که برای حفظ شغل

هایشان می بینند، قبول کاهش دستورات

خواهد بود. تیجه این یعنی کارگران در

سطح انتراپیو ای و حقوق پسر باشد. قانون

کار خود تغییر داده و میتواند زیرا کارگران با

پرکار رقابت می کند. کارگران باید

کمالاً قوی است و جناب چپ در حالت

تدافعی است. سوال اینست: چگونه کار را

سازمان می دهیم؟ بلاfaciale سوال بعدی می

اید که چگونه در چهارچوب سرمایه داری

کار یکنیم که شغل هایشان را حفظ کنیم،

پایه اقتصادی مان را تقویت کنیم، بین

اینکه به دام ایندولوژی سرمایه داری

یا یافته از استراتژی تعیین کنیم. یکی از

مباحث فرمولیندی استراتژی ما اینست که

راسان آن رقابت یا منفعت کیانی نباشد.

در غیر اینصورت بین کارگران رقابت ایجاد

می شود که به معنی قبول ایندولوژی

سرمایه داری است. ما خواهان پایه

اقتصادی (تولیدی) قوی هستیم، زیرا به ما

مهارت، ایثار و توانایی تغییر دنیا را

دهد. بنابراین استراتژی ما باید بدور از

مقولة رقابت دارای این خصوصیات باشد.

تازه این را باید درنظر بگیرید که ما نسبتاً

ضعیفم. ما ظرفیت اداره اقتصاد را نداریم.

کارگران نیروی کارخانه را فروخته اند و

بنابراین باید توانایی خود را در زمینه فرم

فن اقتصاد بالا بیزیم. من واقعاً دم

میخواهد دولت حزب دموکراتیک سرمایه

ما به شما تعییل و اطلاعات دزیاره میخانم

میدهد و شرکت های مختلف بدهیم. ممکن است بتوانیم

را به کارگران بدهند. به کارگران پول و

معلم کنفرانس بدهند که خودشان اگاهی

بهتری در رسانه ای میگیرد این. ولی کار

میکند. شاید بهتر است برای آنها

کارگران اقتصادی دیگر با پرسنل خدمات

اجتماعی که در ارتباط تزویج با آنها است،

تاسas گرفت تا تاس از طریق کارخانه ای

که کارگران در آن کار می کنند. مثلاً

کوییستی دیگر تاکیر خود را در وهبی

و وجود ندارد که ممه را تهدید کند. به دار

سروش و تعلیم یکی از مهمترین

ملحقات شما در رابطه با رشد توانایی

کارگران برای کنترل اقتصاد است.

منظوران چیست؟

آموزش و تعلیم یکی از مهتمم

تکنیکی نیست بلکه باید آنرا در عمل پیاده

نمایش کنیم. همچنین به رشد ظرفیت

هایان احتیاج داریم. در غیر اینصورت

میشه به سرمایه وابسته خواهیم بود. حتی

اگر یک مجتمع را به کنترل و تاصاحب خود

درآوریم این سوال پایقی می ماند که چگونه

آنرا اداره کنیم. بنابراین مفهوم از بسیج

و آموزش توسعه وسایل ارتباط جمعی

بعنوان یک چیز خوب معرفی می شود. ما

کارگران زبانی دوستان کارگران آمریکایی

هستند یا دشمنانشان؟

در شوری او باید از ۹ صبح تا ۵ ساعت اضافه کاری می کند. کارگران سرکار هستند. در ساعت ۸ صبح به سرکار میرسد اکثر شان تقاضای دستمزد بکنند کارفرمایی های کارگران می شود. این بین ایام اینکه کارگران هستند. در سال ۱۹۸۸ ساعت ۲۲۰۰ مترس ساعت کار در سال ۱۹۸۸ کارگران کارخانه ها از ۶۵ درصد تعطیلات با حقوق شان استفاده کردند. در یک مقایسه بین المللی، بنا به آمار وزارت کار در سال ۱۹۸۸، متوسط ساعت کار در تمام صنایع ژاپن سالانه ۲۱۶۸ ساعت بعلاوه ۱۹۲ ساعت اضافه کاری است. در بریتانیا سالانه ۱۹۴۷ ساعت بعلاوه ۱۷۷ ساعت اضافه کاری است. در آمریکا ۱۱۶۴ و ۸۳ ساعت اضافه کاری است. هفت هم کارگران تا نیمه شب کار می کند. در سالهای دهه ۸۰ تعداد کارگران بسیجی می شود. این بین ایام اینکه کارگران هستند. در سال ۱۹۸۸ ساعت ۷۰ اضافه کاری است. در سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۸۸ استفاده کارگران هر ۶۰ درصد رسید. کارگران کارخانه ها اغلب مجبورند ۲۰ تا ۲۳ ساعت در ماه اضافه کاری باشند. بین ایام اینکه کارگران حقوق بگیر، کارگران

کارگران براحتی این می کند. کارگران کارخانه ها اغلب مجبورند ۲۰ تا ۲۳ ساعت در ماه اضافه کاری باشند. بین ایام اینکه کارگران حقوق بگیر، کارگران

کارگران براحتی این می کند. کارگران کارخانه ها اغلب مجبورند ۲۰ تا ۲۳ ساعت در ماه اضافه کاری باشند. بین ایام اینکه کارگران حقوق بگیر، کارگران

کارگران براحتی این می کند. کارگران کارخانه ها اغلب مجبورند ۲۰ تا ۲۳ ساعت در ماه اضافه کاری باشند. بین ایام اینکه کارگران حقوق بگیر، کارگران

کارگران براحتی این می کند. کارگران کارخانه ها اغلب مجبورند ۲۰ تا ۲۳ ساعت در ماه اضافه کاری باشند. بین ایام اینکه کارگران حقوق بگیر، کارگران

کارگران براحتی این می کند. کارگران کارخانه ها اغلب مجبورند ۲۰ تا ۲۳ ساعت در ماه اضافه کاری باشند. بین ایام اینکه کارگران حقوق بگیر، کارگران

کارگران براحتی این می کند. کارگران کارخانه ها اغلب مجبورند ۲۰ تا ۲۳ ساعت در ماه اضافه کاری باشند. بین ایام اینکه کارگران حقوق بگیر، کارگران

کارگران براحتی این می کند. کارگران کارخانه ها اغلب مجبورند ۲۰ تا ۲۳ ساعت در ماه اضافه کاری باشند. بین ایام اینکه کارگران حقوق بگیر، کارگران

کارگران براحتی این می کند. کارگران کارخانه ها اغلب مجبورند ۲۰ تا

From p.15

Struggles in Isfahan Steel Mill

and of the nearby towns came to the support of the strikers with food and other supplies.

The political aspect of this strike was also reflected in the demands that were raised. The strike was essentially against a kind of contracting-out of work and the resulting job losses. But to this demand was also added the removal of the then managing director of the plant and the minister for mining and metal.

The government tried everything in its armoury to fight the strike. The workers had reacted to the arrests in a well-planned way, and the authorities were forced to release the arrested workers. Workers ridiculed the pleas of the powerful Imam of Isfahan who said that 'as the Prophet had kissed the hand of workers, I kiss your feet'. The government was forced to retreat and to postpone the plans for the "contracting out", which were a preamble to the 1985 layoffs.

In May 1985 the Islamic (national) Assembly quizzed the minister for mining: "Why did you abandon the Resolution on the contracting out of work at the Steel Mill, which had been approved by four ministers? Why did you surrender, considering that it was a blow to the clergy who had been involved in the process?" The minister replied: "The most important question for us then was to make sure that the workers' trust is not shaken. Our conclusion after a strike by several thousand workers was to set up a committee consisting of the deputies to the minister for home affairs, the information minister, and the minister for mining and metal, supervised by the Isfahan governor. This committee would take up the workers' demands, namely, permanent employment and health insurance, on the condition that this concession is not made when workers assemble."

Tradition of organising at the Steel Mill

Of course any strike and collective action requires some degree of organisation. But this is even more true in the case of a large workplace like the Isfahan steel complex, with its various sections and a four-shift operation. Here too the Steel Mill is a case in point with regard to the state of organisation among the industrial workers in Iran.

The form of organisation which the Isfahan steel workers have experienced and known for themselves is the workers' councils (*shora*) and general assemblies. The councils were set up in the Steel Mill from March 1979, when workers returned to work after the strikes and stoppages during the Revolution. They were formed in the various sections and departments of the plant, and their very diversity - from the radical ones, led by communist workers, down to those which reflected workers' initial illusions and credulity - mirrored, more or less precisely, the workers' council movement generally. The daily conflict of the councils at the Steel Mill with the powerful and well-organised *Islamic Society* in place at that time - itself directly tied to the new government's armed-guard forces (*Komiteh*) - as well

as the occasionally remarkable successes by some of the councils in forcing through the demands of the workforce and winning the right to political activity on the shopfloor, all these were typified the dilemma facing the council movement nationally: leaving political power at the hands of the stranglers of the revolution, on the one hand, and continuing the revolution at the workplace, on the other. Nevertheless, the councils at the Steel Mill continued to survive, and, like the council movement as a whole, only the bloody suppression by the Islamic Republic in 1981 and the total establishment of bourgeois Islamic despotism could put an end to a period of their life.

Even with respect to their form and organisation, the councils at the Steel Mill suffered from the general problems facing the council movement. The councils here could not fully secure themselves without organising and uniting at level of the whole complex. Continuing as sectional and departmental councils would not do, any longer. It was necessary to build upon these base councils a representative system, the general assemblies of the representatives organising and uniting all the workers of the steel complex. The communist and radical workers were conscious of this and even made some efforts in this respect in order to form the assembly of the representatives of the councils from the various sections and to set up a council at the level of the whole complex, which, due to reasons mentioned above, failed. But this was the same situation which prevailed in the council movement as a whole.

As with the working class movement generally, the repression of 1981 did not mean an elimination of the council tradition. Workers openly defended the councils and called for their restoration. In the summer of 1981, when in the gathering of several thousand workers of the steel complex the managing director, Nili, refused to pledge that the workers would be permanently employed, and uttered abuses, the workers' anger boiled over, precipitating a revolt in which Khomeini's portraits were torn up and the manager fled the scene by the skin of his teeth. On this day thousands of workers were shouting: Bring the council back!

Also, the council tradition in

WORKER TODAY

the Steel Mill has survived in the form of holding general assemblies, especially during strikes.

General assemblies at the Steel Mill

The steel workers' strike in 1984 provided an almost complete example of the role that the general assemblies have played in some of the strikes under Islamic repression. Especially as the active section of the strike was by the construction workers, the only way of overcoming their dispersion and having an all-inclusive and effective organisation during the strike, could be the general assembly form. The call for strike action was issued at the workers' huge general assembly on 10 November 84. The workers declared that the general assembly was the only instance that they recognised, and forced the managing director to give explanations before the assembly which was now being held regularly. It was the assembly that resolved to give a two-week time to the authorities, and when, one day before the deadline, the Judiciary issued a threatening order, it was the assembly that decided to resist and continue with the strike. In all the later decisions during the arrest of the speakers, the takeover of the factory, the releasing of the arrested, and the threat to totally block goods going out of the factory, the workers relied on the general assembly. Even when the government's communiqué was distributed in the factory - despite the stated condition that there would be no concession while the protest was on - the strike continued. The general assembly met again the following day to decide to end the action and return to work!

In addition to general assembly, representative delegations, elected by the assembly, are a known, and even tried, form of organising for the workers at the Steel Mill, particularly in the production section. Many of the section councils at the Steel Mill could not have developed without the representative delegations and the representatives' general assemblies. Also, it seems, in the sit-in protest in September this year groups of workers representing the various sections took part.

[The author was closely in contact with the Isfahan steel workers from 1979 to 1982]

**Islamic Councils out of ILO!
Call by solidarity committees****WT News Service:**

In a joint communique entitled "Join the Campaign of Solidarity with Iranian Workers", a number of committees of solidarity with Iranian workers in Europe and North America call for a coordinated campaign to exert pressure on the Islamic Republic government, for its violation of workers' rights in Iran, in the 1993 annual conference of the ILO - the International Labour Organisation.

The communique, which is signed by the labour solidarity committees in Canada, the USA, Sweden, Finland, France and Britain, and by the paper *Arbeiterkuriere* in Germany, called on the solidarity committee activists to urge the main trade unions in

Europe, the USA and Canada, to pass resolutions for proposal to the ILO conference, around the following three key demands:

- 1- to condemn the Islamic Republic government for its denial of the Iranian workers' rights, its arrest and execution of labour activists, and for its reactionary and anti-labour labour law;
- 2- to call for the recognition of organisation and strike right for Iranian workers;
- 3- to demand the expulsion from the ILO of the representatives of the "Islamic Councils" - the oppressive, non-representative organisations the government has been trying to set up in the workplaces in Iran.

**From p.16
Battle against pit closures**

revenge on the miners for their 1984-5 strike.

The closure of the mines threatens a large number of jobs in a series of subsidiary industries and whole mining towns. For example, 5,000 jobs will go just in the rail coal transport. The total number of job losses as a result of the closures is estimated to be nearly 100,000. This was one of the reasons that prompted some Tory MPs, from the affected constituencies, to object to the government's closure plans. With the Conservatives' holding only a narrow majority in the Parliament, the Labour Party too put a motion to the Commons, calling for a review of the plans.

After an emergency meeting of the Cabinet on 19 October, the government retreated and announced a review of the plan. Thus, the closure of 21 of the mines was suspended, pending a review; the remaining ten may be closed, after a 90-day period. This would still result in the loss of around 7,000 jobs. These ten mines are to be repaired during the three-month period, so that if the decision for their closure is reversed, they may resume operations.

One of these mines is a mine in Nottinghamshire, whose performance was praised during deal between the government and the Union of Democratic Mineworkers - formed during the 1984-85 strike as a strike-breaking breakaway union. The announcement that this mine was also to be closed was gravely damaging to the UDM which until now had cooperated with the government.

In the Persian Section

In addition to the articles in the English section, the Persian section of this issue includes:

- Finnish economic crisis deepens - article
- First All-German congress of the IG Metall union - translation
- Iran National Gas Company - workplace report
- Criticism of the Left in the '79 Revolution in Iran: One step forward, two steps back - letter to the editor
- The Story of My Life: about Sacco and Vanzetti
- A look back at the British miners' strike (84-85) - article
- Communist tendency is a living trend in the Iraqi labour movement - interview with Ahmad Moeen, activist of Iraqi communist and labour movement
- Against economic boycott of Iraq and Kurdistan - interview with Ribwar Ahmadi, activist of Iraqi communist and labour movement
- Japanese workers - friends or foes for US workers? - translation
- Where does N American labour movement stand? - interview with Sam Gindin, assistant to president of Canadian Auto Workers Union
- Struggle for 35-hour week in Germany - translation

The UDM leader staged a one-man sit-in protest down in the mine and said that he would resign in the next election round. Some UDM members said that if they had listened to Scargill they might not have ended up in the mess they are in now.

The NUM knew that the coal storages are already full and that the government was planning to close the pits. So a production stoppage by strike action would not be effective. Consequently, the union executive quickly met with the leaders of the other unions, including the TUC, to decide on taking wider actions to force the government to back down. One outcome of the meeting was the holding of two huge demonstrations on 21st and 25th October.

The NUM is contemplating its future actions in the light of the results of these pressures. Whether a strike call would win majority support from the miners, is still uncertain and depends entirely on the degree of support from the other sections and unions. As a financial source and having one of the highest productivities in whole Europe, British coal industry holds a special place in the British economy. The prospect of its destruction by the government's policies and its replacement by gas or imported coal, therefore alarmed the other sections of British society. The rising unemployment, the failure of the Tories' election promises to materialise, and the current grave economic difficulties all combined with the abrupt slashing of 100,000 jobs to turn the mine-closures into a general show of protest against the government. If the government is forced to retreat, this will be a big victory for the workers and would inject a fresh mood into the society.

movement - interview with Ahmad Moeen, activist of Iraqi communist and labour movement

• Against economic boycott of Iraq and Kurdistan - interview with Ribwar Ahmadi, activist of Iraqi communist and labour movement

ISSN 1101-3316



شورای اتکام‌خواهان اسلامی

WORKER TODAY

Editor: Reza Moqaddam

English Section: Bahram Soroush

Translations: Amir Hedayat, Siavash Riehi

Address: W.T., Box 6278, 102 34 Stockholm, SWEDEN

Subscription FormI would like to subscribe to *Worker Today* for a period of Six months One yearPlease send my *Worker Today* and bills to the following address:

Mr/Ms/Institution _____

Address _____

Postcode _____ City _____ Country _____

Subscription Rates

Europe 1 Year SKr140 1 Year SKr210

6 Months SKr80 6 Months SKr120

Elsewhere

1 Year SKr210

6 Months SKr120

■ Institutions double the rate.

■ All prices include p&p.

Significance of struggles in Isfahan Steel Mill

By Mostafa Saaber

The sit-in in September by the Isfahan steel workers over the issue of wages (see *WT* no.29), which followed a series of strikes in the oil industry and the strike by Tehran water workers, is a notable event in the Iranian labour movement in the current year. In all the three cases it was the sheer scale and force of the strikes that prevented the government from suppressing the news of them. This goes to show that other strikes and labour actions are in fact in progress which never manage to break through the state censorship. Some occasional admissions by the Islamic Republic officials concerning the labour protests, like the statement by Kamali, the labour minister, that 2,000 strikes had taken place in the year ending March 92, and statistics showing the lodging of 90,000 labour complaints in the space of one year, indicate the situation in the workplaces.

This picture of the workplaces, which in its degree is unprecedented since the coming of the Rafsanjani government to power,

is completed by such general indications as the outbreak of revolts in a number of cities - mainly in working-class districts - people's grave economic situation and the prospect of further protests, which, alarming the ayatollahs, has thrown them at each other's throats. Apart from these general elements of the political situation and the state of the labour movement, the protest in the Isfahan steel works, in itself, precisely due to the features of this industry, can serve as a barometer of the battles going on in the workplaces.

In connection with this recent sit-in action by the steel workers, and to emphasize its import, it is appropriate to take a closer look at the particular features of the Isfahan Steel Mill and the workforce occupies in the Iranian labour movement.

The Steel Mill and the industrial workers in Iran

Isfahan Steel Mill is one of those industrial workplaces in Iran which in several respects epitomizes the present industrial working class in Iran. If the workers in the oil industry have - for economic and social reasons and because of their long tradition of struggle and organising - have played a vanguard and decisive role in the labour movement, and if the workers of sectors such as printing and, to some extent, textile and certain other trades, received their traditions directly from the workforce in the same sectors, the Isfahan steel workers typify the young industrial working class in Iran which came into being with the establishment of industries in the '60s and the '70s - a section of the working class having decisive role, and on whose struggle and efforts any significant development in the situation of the labour movement as a whole depends.

The workforce in the Steel Mill consists, firstly, of those who have been industrial workers for several generations, such as the second and third-generation oil workers or workers from other older industries who joined the Steel Mill; secondly, those who in the '60s [during the land reforms] lost their small plots of land and took up work in industry; and, finally, those who have a small secondary income from work outside the plant. These last two groups - particularly the second - make up the majority of the workers. This workforce composition coincides with the overall composition of the new industrial working class in Iran.

The tradition of struggle in the

collapse [of this system] the nationalist movements stormed the scene, slaughtering people in pursuit of land and in the name of the New World Order, and attacking workers and socialism.

To safeguard the ideas of equality and brotherhood of the people and workers, we must oppose the notion of the New World Order; the First of May should be celebrated in the spirit of class brotherhood and solidarity. In Turkey this also applies in the case of Turks and Kurds. The New World Order was in fact put forward by imperialism to resolve its crisis. As against this, it is necessary that the working people on the First of May loudly and clearly call for solidarity and equality. The raising of workers' democratic political and economic demands has also a special place.

All these have been widely echoed in the workplaces and working-class districts. It is necessary that workers and other employees and the youth widely take part in the First of May celebrations, protest against the bloodshed and crimes of the imperialist capitalist system and defend people's equal rights. Demands such as: From unemployment to jobs, from illiteracy to education, from dispersion to organisation, and a healthy democratic climate, should be put on the agenda in the May Day rallies.

Why, despite these differences, do DISK, Turk-Ish and Hak-Ish unions stage joint May Day events?

Due to lengthy court cases and having been under ban, DISK has only just started its work on labour issues. So, it first has to wipe the dust off such terms as 'trade union' and 'struggle'. The world political situation and the policies of the Turkish state are rapidly

Steel Mill is, like the other sectors, mainly based on the traditions of the 1979 Revolution and after - though elements of the previous experiences, those prevalent for instance among the oil workers, the textiles or some old worker circles, were transmitted to labour activists in the Steel Mill through those who joined the industry. Wage levels and employment terms in the Steel Mill, such as insurance, pension, etc, are more or less the same as those for the industrial workers generally. Therefore the labour protests here take place over issues which target national norms and legislation.

To these typical features of the industry must, finally, be added the fact that the Steel Mill, a state-owned concern, is an industry with 20,000 to 30,000 workers, having all the complexities and specificities of a huge industrial complex. As a result, the changes in the mood, consciousness and organisation of the workers take place gradually, but with deeper and long-lasting effects. Any significant development among the steel workers is usually a reflection of more long-term and established changes. To a large extent, this can provide a measure of the class balance and situation of the industrial workers as a whole.

The political aspect of steel workers' struggle

Every labour struggle in the Steel Mill is immediately also a political struggle. So also in this respect the Steel Mill typifies the overall

conditions of labour struggles in Iran, i.e. the direct merging of the economic and the political aspects of the protests.

Apart from the factors mentioned above, this is due to the fact that the news of every significant action by the steel workers quickly spreads, not only in the city of Isfahan, but also in a large geographic area constituting a population of several million. The over 20,000 workers of the Steel Mill are the first-hand reporters of the events in the mill, and this news is carefully followed - and in turn passed on - by the people of the region.

A strike in December 1984, lasting for a whole month, had a large impact in Isfahan and the neighbouring towns. It became a subject of people's discussions everywhere - in buses, in taxis, in different gatherings, etc. It clearly boosted people's morale in the popular protests - especially once the striking workers showed that they were determined to carry the fight through to the end. On a number of occasions the people of the city lined up to greet the returning striking workers with flowers. And when, in the early days of the strike, the security forces arrested the speakers of the general assembly, among them a woman, and the workers immediately took over the factory and shut the gates to stop the exit of goods, taking a number of the managers hostage, the workers' families and the people of Isfahan

Continued on p.14

also target the union leaders.

Workers have waged their struggle as far as possible against both the employers and the union leaders. They have also focused their fight, in much more difficult conditions, against the laws laid down by the organisers of the 1980 Coup. Their struggle, unity and solidarity have deepened so much as to sweep the daily problems of the struggle out of their way.

Since 1985-86, the workers' united and collective fight has taken on a more lasting character, and a lot of work has begun on continuing the struggle. The proposal for factory committees and workers' councils, and activity and organisation in this form, have now proved their effectiveness and feasibility. Workers regard the councils the head, and the committees the heart of their class organisation, and gather in the workplace in large numbers as in an assembly. It is on this real basis that the corner stone of the unions is being built, with the unions taking form upon that. In this way in the workplace, workers get their class education to build the unions, and the experience necessary for basic organising. The militant labour leaders, too, will emerge from within such workplaces. Such an organisation will survive even under the toughest conditions, and unions will not collapse in the face of fascist coups and such developments. The unions which go along with the status quo will split up, and will be replaced by militant, working-class unions or other labour organisations. The working-class power and influence created now in the workplaces will be transmitted to the union leaderships, in which workers will have power and a say. Labour activists would be elected to union posts by the workers' own votes.

DISK leadership deserting the working class

Interview with Chetin Oygol, leader of Turkish mineworkers' union

Chetin Oygol was in 1975 one of the founders of Turkey's mineworkers' union, affiliated to the Revolutionary Workers Union (DISK). He led the union until the September 1980 military Coup, at which time he was arrested for his labour activities and sentenced to death by a military court. Spending four years in jail under the permanent threat of execution, Chetin Oygol was re-tried in 1991, found not guilty, and released. With the legalization of DISK, he was re-elected president of the miners' union. Ali Farhang, *Worker Today* co-worker in Turkey, talked to Chetin Oygol on a number of issues of the Turkish labour movement. The translation is, indirectly, from the Persian (translated) text of the interview. Excerpts:

How are the First of May Day events held in Turkey?

May Day is workers' international day of struggle and solidarity. First of May has been banned in Turkey for many years. They have re-named May Day "Spring Festivity". In 1977 the organisers of the rallies were attacked by guns and bombs, as a result of which 37 workers were killed. By this action the bourgeoisie wanted to create a climate of terror and fear. Today, many years after that criminal act, the perpetrators remain unidentified.

A big rally was held in 1978. In 79 and 80 holding May Day programmes was banned, and on the day itself the streets were declared no-go areas. The staging of the rallies resumed after 1985-86. The working people were interested in the events, but the government's repression and the terrorizing prevented them from participating in large numbers. In 1992 the demand to hold First of

May celebrations was not limited to the vanguards, revolutionaries and progressives. This time a different movement began to take shape. The events were staged both in the halls and outdoors, in the squares. Those who wanted to organise them in the halls distanced themselves from the working class; in a sense, they paved the way for the government to resolve its economic and political difficulties. In the final analysis, they aimed to silence the working people. The holders of this non-worker line, who, together with the authorities, had all along driven the celebration of workers' international day into the confines of the halls, showed that they were forced to commemorate this day.

We are living in a day and age when the nationalist and religious tendencies are at each other's throats and shedding blood. In the Soviet Union workers had no participation in the trade unions, the Party or the state. After the

What is the status of the trade unions in Turkey? Are there any other alternative forms which have been proposed?

The laws on organising in unions are now under review. The 1980 Coup general changed the trade union laws. A centre has been placed at the head of the trade unions which is beyond the workers' control and check. To be in the union leadership you have to agree with the existing laws and move within their framework. The organisations whose political activity has been banned have constantly been driven under the flag of the government. So the unionist movement has made such changes in the trade union laws that have resulted in the complete destruction of trade union democracy. Today the workers' struggle puts pressure on the union officials to take steps to democratize the trade union laws. But such changes have not gone beyond words. In future, the workers' pressure, just as it will persist in the workplaces, will

IN BRIEF

Italy

Six million workers took part in a general strike in Italy on 13 October - the tenth such strike in the last 12 years - protesting the government's proposed social services' cuts. The strike, called by the three main Italian unions, disrupted production and transport for four hours.

Germany

On 16 September 2,000 workers of Freital iron ore plant occupied the main hall at Dresden Airport for three hours. The workers were protesting the plans by Treuhand (the organisation conducting the east German privatisations) to close down the plant.

Sweden

Over 60,000 workers, members of the trade union confederation, LO, staged protests in Swedish cities against the government's policies. In many areas the demonstrations also targeted the opposition Social Democrats who cooperated with the government to draw up the recent austerity packages.

Iraq

The five arrested workers of a textile factory in the town of Kerkouk, whose detention was reported in previous issues of WT, were released following a general amnesty by the Iraqi government.

Support Worker Today

YOU CAN subscribe to Worker Today and urge your union branches to take up subscriptions.
YOU CAN support us financially and ask your unions to make donations to Worker Today out of their assistance funds.

YOU CAN help distribute Worker Today in your area.
YOU CAN give us technical assistance, e.g. computer hardware and software to speed up and improve our work.

YOU CAN send books and journals to Worker Today Book Club.
YOU CAN send us your articles and reports.
YOU CAN introduce Worker Today to colleagues and comrades.
YOU CAN tell us your views and suggestions about the paper.

Britain:

Battle against pit closures

By Aman Kafa

IN mid-October British Coal suddenly announced the closure of 31 coal mines across the country with the immediate loss of 30,000 miners' jobs. The decision, presented by the government as being due to a coal surplus and lack of buyers, shook the whole nation.

The scale of the protests against the government from all sides, particularly by the media, showed that the government was facing a real crisis. On Tuesday 13 October it was announced that on the same Friday at least six of the collieries were to be shut. The decision was in violation of the existing labour codes and agreements.

By the terms of the contract, the Coal Board has to negotiate with the miners' union, and a 90-day respite should be given. Referring to this clause, the National Union of Mineworkers (NUM) took legal action, and succeeded in suspending the closure plans.

In the meantime, the NUM leadership called for a representatives' conference. Prior to the Conference, the government had said that if the miners took strike action they might lose their right to redundancy payments. At the conference, representatives expressed their outrage at the planned closures and job losses, and voted unanimously to ballot the members on industrial action, the date of which was to be fixed later by the union executive.

The NUM and a number of independent sources also showed that, economically, the government's reasons for the mines' shutdown and substitution of coal fuel by gas or nuclear power, were nonsense, questioning the government's economic and energy policy.

The government then went on the defensive, and the NUM went on to say that the only reason for the closure of the pits was the government's intention to take

Continued on p.14



Arthur Scargill leading the huge march in London on 21st October

IG Metall congress urges fight against extreme right

WT News Service:

IG Metall, the German engineering workers' union, called for a "social pact" to defend democracy and counter the rise of fascism and the extreme Right in Germany - according to a report by D.P.A news agency.

Speaking at the 17th triennial Congress of IG Metall, held in Hamburg from 10 to 17 October, IG Metall leader, Franz Steinbüchler, said that he regards defence of democracy against the

extreme right and the safeguarding of the union's autonomy in collective bargaining, as among the union's priorities.

Steinbüchler also stressed the agreement to create wage parity between the eastern and western Germany by 1994. On the issue of immigration, differing from the Social Democratic Party's new policy, he rejected any changes in the German Constitution on asylum rights.

Solidarity committee formed in Germany

WT News Service:

A communiqué issued in October announced the formation of the Labour Solidarity Committee in Germany. The aims of the Committee have been defined as:

"1- introducing to the labour organisations and activists in Germany the working and living condition of the workers in Iran;
2- informing about the Iranian workers' lack of rights and campaigning to force [the Islamic Republic] to recognise international labour rights in Iran;
3- drawing the solidarity of the German labour movement with the struggle and demands of the workers in Iran;
4- exerting pressure on the Islamic

Republic, through labour organisations at international bodies, to recognise organisation and strike rights for the Iranian workers; 5- participating in the struggles, and supporting the demands, of workers in Germany."

Also in Germany, the paper *Arbeiterkurier*, published for over two years to draw the German workers' solidarity with the labour movement in Iran, announced that, with the formation of the Labour Solidarity Committee in Germany and as the goals of this committee coincided with its own, it was joining the committee and would in future be published as the paper of the Labour Solidarity Committee.

Significance of struggles in Isfahan Steel Mill

p.15

DISK leadership deserting the working class

p.15

with the Austrian workers and their struggles; - informing about the conditions of Iranian workers; - drawing the solidarity of the Austrian labour movement with the Iranian workers' struggle.

Both solidarity committees are affiliating to the International Committee of Solidarity with Iranian Workers which was formed recently (see WT no.28). In the US, the Labor Committee on Iran also announced its affiliation to the International Solidarity Committee.